

فراموشخانه و فراماسو نری در ایران

جلد دوم

نوشته: اسماعیل رائین



مؤسسه انتشارات امیرکبیر
تهران، ۱۳۵۷

استفاده از متن کتاب، اسناد و دیپلماتها، عکسها و تصاویر،
بدون اجازه کتبی نگارنده ممنوع است.

www.KetabFarsi.com



دانشگاه اسحاق میرزا
کتابخانه و فراماسویری در ایران (جلد دوم)
چاپ اول: ۱۹۶۸ ایتالیا
چاپ دوم: ۱۳۴۷ ایران
چاپ سوم: ۱۳۵۲
چاپ و سفارش چاپخانه سپهر، تهران
حق چاپ محفوظ است.

فهرست مندرجات

۴۱ -	لترهای اولیه فراماسونها در ایران	فصل پانزدهم
۱۴۷ - ۴۳	لتربیداری ایران - گراند اوریان (شرق اعظم) فرانسه	فصل شانزدهم
۲۱۸ - ۱۴۸	فراماسنها و انقلاب مشروطیت ایران	فصل هفدهم
۲۶۰ - ۲۱۹	فراماسونها و انجمنهای مخفی و علنی در ایران	فصل هجدهم
۲۸۷ - ۲۶۱	اتابک و فراماسونها	فصل نوزدهم
۳۱۸ - ۲۸۸	اقشاء اسرار ماسونی	فصل بیستم
۳۵۷ - ۳۱۹	شاهزادگان قاجار در فراموشخانه و فراماسونی	فصل بیست و یکم
۳۷۲ - ۳۵۸	افتضاحات ماسونی	فصل بیست و دوم
۴۰۹ - ۳۷۳	لتر خزعل خان	فصل بیست و سوم
۴۴۴ - ۴۱۰	فراماسونهای معروف در شهرهای مختلف	فصل بیست و چهارم
۴۵۳ - ۴۴۶	۱ - اساسی لتربیداری ایران	ضمائم :
۴۹۳ - ۴۵۴	۲ - منظومه آئین فراماسونی	
۶۳۵ - ۴۹۴	۳ - قانون اساسی گراند اوریان ترجمه کامل لتربیداری ایران	
۸۳۸ - ۶۳۷	۴ - معرفی ۱۳۶۰ جلد کتاب فراماسونری	

فصل پانزدهم

لژهای اولیه فراماسونها در ایران

با وجودیکه یکصد و شصت سال^۱ از عضویت نخستین ایرانی به مجمع فراماسن فرانسه می‌گذرد، معذالك هیچیک از نویسندگان ماسن یا غیر ماسن، یا مورخین درباره تاریخ قطعی تأسیس لژهای فراماسن در ایران یا ایرانیانی که در این راه پیشقدم بوده‌اند، سند جالب و قطعی انتشار نداده‌اند.

فراماسنها مدعی هستند که تاکنون پنجاه هزار جلد کتاب موافق و مخالف و بیطرف درباره فراماسنی به السنة مختلف در جهان برشته تحریر در آمده و دو دوره دائرة المعارف نیز بوسیله لژهای فراماسنی چاپ و منتشر شده است^۲، ولی در این دو دائرة المعارف فقط چند سطری درباره فراماسونری در ایران نوشته شده که رویهمرفته اطلاعات مبسوط و جامعی درباره این تشکیلات در ایران بدست ما نمی‌دهد. و حال آنکه در بسیاری از تشریفات و آداب و رسوم فراماسونری کنونی اعمالی از گذشته و حال ایران اقتباس شده و نسبت کارهای خود را بدوران باستانی ایران می‌رسانند که برای نمونه چند فقره از آنها را نقل می‌کنیم:

۱ - در معابد ماسونی و بخصوص در درجات عالی ماسونی آداب و رسوم موبدان

۱ - تاریخ عضویت میرزا عسگرخان نخستین ایرانی در لژ فراماسنی فرانسه در

سال ۱۸۰۸ .

2 - Encyclopaedy of Freemasonry and its kindred sciences

- Mackeys Encyclopaedia of Freemasonry .

و زرتشتیان به خوبی منعکس است .

۲ - در ریتولهای ماسونی که بعد از سال ۱۷۲۰ (۱۱۳۲ هـ) متداول شده، بسیاری از آداب مذهبی ایرانیان دوره ساسانی و هخامنشی مشاهده میشود .

۳ - در مراسم درجات بالای فراماسونی کنونی که شایتر Chapter نامیده میشود، بسیاری از مراسمی که برگزار میگردد تقلیدی از عملیات مؤبدان و درباریان ایران دوران ساسانی است .

۴ - عقیده فراماسونری کنونی، کوشش کبیر که باعث آزادی یهودیان از اسارت بابلیها شد و معبد بزرگ را در اورشلیم ساخته است طبق تعلیمات درجات عالیة فراماسونی «ماسون اول» یعنی جزء سازندگان و بنیان معبد بشمار میرفته است . زیرا معبدی که او ساخته مطابق همان اسلوبی است که حضرت سلیمان بنا کرده است و به این جهت ماسونها او را هم «بنا» یا به اصطلاح امروزی «ماسون» میدانند .

۵ - بعضی از سلاهما، علائم شناسائی و کارهای دیگری که ماسونهای کنونی انجام میدهند با بسیاری از عملیاتی که ما روزانه در ایران عمل می‌کنیم مطابقت دارد مثلاً در موقع اذان گفتن ما دست راست را روی سینه می‌گذاریم و دست چپ را به بناگوش؛ این اعمال عیناً مراسمی است که در درجه دوم ماسونی وجود دارد .

جیمس موریه معروف، رکوع و تعظیم ایرانیها را که هنگام انجام آن دستها روی سینه و زانومی گذارند و خم میشوند منتسب به حرکات بنایان ایران باستان کرده و آنرا نمایشی از گویا و مثلث میداند . او معتقد است که این دو حرکت رمز بنایان ایران بوده که هم اکنون در مراسم ماسونی عیناً تکرار می‌شود .

۶ - طرز سلام و تعظیم و شاعر متعددی که در اویس ایران انجام میدهند نیز شباهت فراوانی با مراسم ماسونها دارد .

علی مشیری محقق ایرانی^۱ متقیم لندن که خود از فراماسونهای لژهای انگلیسی

۱ - ایشان در دو لژ انگلیسی در لندن عضویت دارند که یکی از آنها لژ معروف Wilsson است، او همچنین در ژانویه ۱۹۶۴ دارد Royal arch شده است. وی در نامه‌ای به دکتر فرخ ارفع السلطنه مینویسد: «در ریتولها خیلی پیشرفت کرده‌ام و از خیلی آداب»

است می نویسد: «بنا به بعضی قرائن فراماسونری در ایران بشکل و صورتهای مختلف در زمان ساسانیان وجود داشته است و پیدایش آن در ایران در زمان سلطنت کوروش کبیر بوده و حتی بعضی از مراسم هر موز آنان پس از تسلط اعراب و قبول دین مبین اسلام در میان ایرانیان معمول گردید. گروهی از مردمان هم بدون اینکه خودشان بدانند تعالیم بشر دوستی و نوع پرستی فراماسونی و همچنین رموز و علائم آنان را تحت عناوین مختلف و گوناگونی جزو مراسم ملی و مذهبی خود قرار داده اند.

از جمله قسمت بزرگی از سنن و تعالیم برجسته مذهب شیعه که پایه و اساس تمدن اسلامی می باشد به توسط علمای ایرانی الاصل و پاک نژاد در زمان صلاح الدین ایوبی و حسن صباح به شام و مصر کشانیده شد و پس از جنگهای صلیبی از آنجا به اروپا سرایت نمود و نیز گروهی از مسافرینی که به هندوستان رفته اند بوجود بعضی از علائم و رموزات ماسونی در اغلب مساجد و قبور اشخاص بزرگ که در دوره فرمانروائی سلاطین مغول بوسیله استادان و معماران بزرگ ایرانی ساخته شده است پی برده اند...^۱

در ایران فقط تعداد کمی از فراماسونهای ایرانی از آداب عالیۀ ماسونی اطلاع دارند. ارفع السلطنه خان فرخ که مدت شصت سال فراماسون بود ازین اسرار و علائم آگاهی داشت که آنها را حتی به برادران خود نمی گفت. پس از آن مرحوم، دکتر سعید مالک که بعد از سید حسن تقی زاده کهنسازترین فراماسون ایرانی است از این رموز اطلاع دارد و بدین مقام ماسونی رسیده که باید معتقد باشد که «یهوه خدای یهودیان» مسلماً «معمار اعظم» و مبدأ آفرینش جهانیان است و فقط او را یعنی خدای یهودیان را باید پرستش کرد و بس. بنابراین برای دانستن سابقه و قدمت ماسونیک در ایران

۱ - مجله خواندنیها شماره ۹۵ سال ۲۲.

→ برادران انگلیسی جلوتر افتاده ام زیرا ایمان کامل و اعتقاد قوی همیشه در کارها مؤثر است. مسأله برادری در اروپا و مخصوصاً در انگلستان عالم دیگری است، صفا و محبت و تقدس از سر و پای برادران همواره مینماید. و همه میل دارند دست بدست هم داده و یاری از دوش همدیگر بردارند برعکس ماسونهای ایران که حتی از چنانعالی هم کلاهبرداری کرده و بطوریکه نوشتید دکتر جعفر... موجبات محکومیت شما را فراهم آورد.

بایستی از اقوال دیگران استفاده کنیم . اگر گفته مورخین فراماسون بخصوص «برنارد جونز»^۱ که کتاب بسیار جامع و کاملی در باره بنایان شرق و ایران نوشته است^۲ قبول کنیم باید اذعان نمائیم که در ایران قدیم نیز سازمانهای بنائی وجود داشته است . اشمیت یکی از باستانشناسان معروف که مدت زیادی در تخت جمشید کار کرده است مینویسد : «اطاقی در این کاخ عظیم بوده که همه آلات و ادوات بنائی و سنگتراشی در آن نگهداری میشده است . اینجا محفل و محل اجتماع بنایان و سنگتراشان ایرانی بوده که پس از فراغت کار بدور هم جمع میشدند و در باره حرفه بنائی سخن میگفتند» . اگر این نظریات را قبول کنیم میبایستی وجود سازمان بنایانی را که حمزه اصفهانی متولد (۵۲۷۰ هـ - ۸۸۳ م) در کتاب خود موسوم به «سنی ملوک الارض» مینویسد ، دنباله همین مراکز قدیمی بنائیم . حمزه اصفهانی مینویسد : «... همای چهر آزاد از ملوک پیشدادیان چون بکشور روم لشکر فرستاد و اسیرانی از آنجا بایران آورد در میان اسیران بنایان خوبی بودند که بساختن صد عمارت بزرگ دست بردند این عمارتها را بفارسی هزار ستون گویند . یکی از آن عمارتها در استخر و دیگری در داراب و سومی در راه خراسان بود شهر زیبائی نیز در حوالی اصفهان ساختند که اسکندر آنرا خراب کرد ...» اگر این نوشته با حقایق تاریخی مطابقت نماید باید بگوئیم که بنایان در روزگار قدیم یعنی حتی پیش از حمله اسکندر به ایران ، در ایران تشکیلاتی داشته و صنف بزرگی بوده اند .

علاوه بر این فراماسونها از پاره‌جهات بامتصوفین و طبقات صوفیه در ایران بی‌شبهت نیستند و شاید روی همین وجه تشابه باشد که عده زیادی از فراماسونهاى قدیمی ایران جزو دستجات صوفی و دراویش بودند . همانگونه که در میان صوفیه «مرید» ، «مرشد» و «خانقاه» وجود دارد در فراماسونری نیز «شاگرد» «استاد» ، «لژ» موجود است .

مرشد و استاد «دستگیر» شاگرد و مریدند و به اصطلاح دراویش «اورا از تاریکی خودپرستی به روشنائی نوع دوستی و صفای باطن راهنما می‌شوند ، خانقاه بزم محبت

1 - Bernard E. Jones.

2 - Freemason's Guide And Compendium .

است و آنجا گدائی به شاهی مقابل نشیند،^۱ محمود عرفان می نویسد: «... لژ هم وقتی بمعنی اجتماع فراماسونها باشد مقام انس و الفت است و در آن اجتماع توانگری که در کاخ رفیع خود آرמידه، با دهقانی که در کوخ روستائی منزل گزیده بار است و دمساز، هر دو طایفه افراد فرقه خود را «برادر» خطاب می کنند و می گویند با همه خلق خدا محبت کنید و صفا و هر دو معتقدند که:

مرد باید که جفا بیند و منت دارد نه بنالد که مرا طاقت بد خویان نیست

تفاوت عمده فراماسون با صوفی در این است که اساس طریقه صوفیه بر اعراض از دنیا و مافیهاست و اساس فرقه ماسونری بر توجه بدنی و تنظیم امور دنیوی بوسیله تعاون و اجرای اصول اخلاقی است والا فراماسون با صوفی در این شعار هم آواز است که: «بترس از خدا و میازار کس»^۲ با وجودیکه فراماسونری جهان آداب و رسوم و اسرار خود را مرهون بنیان فرق مذهبی و اسرار و آئین مراسم متداول در ایران و سایر ممالک خاورمیانه میدانند و با وجودیکه یکصد و شصت سال از آغاز فعالیت فراماسونی سیاسی کنونی در ایران می گذرد معینا تا کنون نه خود فراماسونهای ایران و نه الهام دهندگان آنها هیچگاه درصدد مطالعه در سازمانهای بنیانی و یا لژها و احوال فراماسونها و سیر آن در ایران بر نیامده اند. نخستین بار روبرت فردریک گاولد^۳، انگلیسی که تاریخ فراماسونری خود را در سال ۱۸۷۹ م (۱۲۹۶ هـ) نوشته و تا کنون این کتاب نیز بارها چاپ شده، در باره تأسیس نخستین لژ فراماسونری در ایران اشاره ای کرده و آنرا بتاريخ ۱۸۱۰ م (۱۲۲۴ هـ) در شهر اصفهان میدانند، گاولد میگوید که یکی از نویسندگان ماسون بنام «توری»^۴ مدعی است که در این سال فرمان تأسیس لژ در اصفهان صادر شده، اما هیچگونه دلیل و مدرکی که حکایت از تشکیل لژ در این شهر و فعالیت ماسونها نماید در دست نیست.

نویسنده دیگر فراماسونری در دائرة المعارف سلطنتی ماسونیک می نویسد :
 «اطلاعاتی که از وضع اجتماعی مملکت ایران در آن زمان رسیده ضد و نقیض و غیر
 قابل اطمینان است . بهمین جهت با وجود تذکراتی که در نشریه های ماسونیک درباره
 تأسیس لژ در اصفهان چاپ شده نمی توان با قاطعیت وجود این لژ را در اصفهان تأیید
 کرد^۱ همین نویسنده زیر نام ایران در دائرة المعارف مذکور می نویسد : «در همین
 تاریخ یک صاحب منصب ماسونی از لژ Ishmael در ایران بوده است» ولی اوهیچگونه
 توضیح بیشتری در باره این لژ و یا سایر فعالین آن نمی دهد .

نویسنده دیگر فراماسونری ضمن تشریح تشریفات ورود میرزا عسکرخان اردوی افشار
 به لژ فراماسونری در پاریس که در ۲۴ نوامبر ۱۸۰۸ صورت گرفته می نویسد : «... ولی
 بهر حال محتمل است که آقای سفیر در بازگشت بوطن بین دوستان مورد اطمینان
 خود اطلاعات چندی درباره تأسیس لژ منتشر کرده و توجهشان را به عقاید مساعد خود
 بآن جلب کرده باشد . زیرا از کلیه حوادث و اطلاعات بعدی چنین بر می آید که از آن
 تاریخ به بعد در ایران مردم طبقه عالی درباره فراماسونری و لژهای ماسونی اطلاعاتی
 داشته اند»^۲ .

بنظر میرسد این ادعای نویسنده دائرة المعارف ماسونیک تا حدودی صحیح باشد
 زیرا «هولمز»^۳ انگلیسی که کتابی بنام «بررسی و نقشه سواحل بحر خزر»^۴ نوشته درباره
 ادبیه های ایرانیان و اخذ فراماسونری در میان آنان اطلاعات جالبی از گفتگوی
 خودش با حاکم رشت داده و می نویسد : «... صبح آقای فرماندار که بنظر میرسد شخص
 فوق العاده کودن و درعین حال مؤدب و با تمدن است از ما دیدن کرد . ایشان سئوالات
 فراوانی در باره فراماسونری از ما کرد که خود او بدان نام «فراموشخانه» میداد .

۱ - ۲۹ - دائرة المعارف سلطنتی ماسونیک ص ۵۵۸ .

۲ - تاریخ فراماسونری گاولد جلد ششم .

4 - Holmes .

B. Sketches on the shore of the Caspian, (London, 1845) B. 182.

البته باید گفت که ایرانیان به «فریمسن هال لندن»^۱ فراموشخانه می‌گویند این لغت در نظر ایرانیان بسیار کلمه حیرت انگیز و عجیب بوده و عموماً برای ایرانیان که از آن اطلاعاتی شنیده‌اند خیلی جالب است. سئوالاتی که در این باره از ما شد باین شرح است:

در فراموشخانه چه می‌کنند ؟

فراموشخانه اصولاً چیست ؟

ایرانیان معمولاً خیال می‌کردند که این مکان بسیار عجیب جایی است که در آن يك شخص ممکن است در يك روز نتیجه فهم و درك هزار سال تحصیل و علوم دیگران را بیاموزد، ولی هرکس خصوصیت مطالب آموخته را برای شخص خود نگاهداشته و به کس دیگر چیزی نمی‌گوید. بعضی از ایرانیان که به انگلستان سفر کرده‌اند فراماسون شده‌اند و فقایشان از آنها گله می‌کنند که در بازگشت به وطن به هیچوجه حاضر نیستند چیزی درباره مجمع فراموشخانه به زبان بیاورند بعلاوه ابدأ نمی‌توان به اینعده فهماند که چرا فراماسونهای ایران تا این حد گوشه‌گیر و غیرقابل جوشش و ساکتند و با مردم ارتباط ندارند ؟ علاقه طبقات مختلف به کسب اطلاع از درون لژها و محافل ماسونی حتی در بین علمای نیز رایج بوده «جوزف ولف»^۲ عضو گروه سیار هیئت کلیسای آنجیلی و یا «کلیسای نسطوریان» در خاطرات هشت ساله اقامتش در ایران مینویسد :

« در سال ۱۸۲۴ (۱۲۳۹ هـ) وقتی از شیراز می‌گذشتم با مجتهدی بنام شیخ حسن آشنا شدم که برخلاف سایر علماء از مذاکره با خارجیها خاصه فراماسونها امتناع نداشت و حتی مارا پذیرفت زیرا بنا بر گفته او این مذاکرات موجب تفاهم بیشتری میشد. »^۳ همین نویسنده هفت سال بعد هنگامی که به آذربایجان غربی میرسد و با سلیمان

1- Freemasons Hall in London.

2- Joseph Wolff.

۳- رجوع شود به کتاب :

Missionary Journal of the Reverend, (London, 1829) و III.87

پاشا حاکم شهر خوی در آذربایجان شرقی بر خورد می کند می نویسد :

«... او علاوه بر اینکه با فراماسونری نوین به خوبی آشنائی داشت ادعای کرد که يك فراماسونر است . او همچنان می گفت که بنیاد فراماسونری در فصل چهارم مکاشفه «سن جان» بنیاد نهاده شده است ...»^۱

یکی دیگر از کشیشان اعزامی به ایران بنام «پرکینز»^۲ که عضو يك هیئت مذهبی مسیحی به ایران داشته و در سال ۱۸۴۳ (۱۲۵۸ هـ) به ایران آمده ضمن گزارشی که به مقامات کلیسای خود میدهد می نویسد : «... این علاقه زایده «جوهر فلسفه شکاکون پیمان شکنی و الحاد است ...»^۳ بنا بنوشته حمد الگار ، جیمز موریه نیز در حاشیه‌ای که برداستان مشهور و پر ماجرایش بنام «سرگذشت حاجی بابا اصفهانی» نوشته بهمین گونه شهادت میدهد .

سند بسیار ارزنده و جالب دیگری که از تأسیس لژهای اولیه

ماسونیک در ایران بدست آمده وجود يك لژ فراماسونری مجاز را در تهران تأیید میکند . نویسنده آمریکائی «دائرة المعارف

ماسونیک»^۴ برای اولین بار اشاره بوجود يك لژ ماسونسی در

ایران میکند . این نویسنده مدعی است که «تشکیل این لژ بر اساس طریقت فلسفی «بنایان در ایران» بوده و بهمین جهت هم نام آنرا Persian Philosophical Ritel

گذاشته اند . بعقیده نویسنده مذکور «آئین فلسفی فراماسونری ایران اولین بار در الرزته‌الروم و در سال ۱۷۱۸م (۱۲۳۳ هـ) پایه‌گذاری شده است . در آن ایام ارزروم قسمتی از خاک ایران بوده و لژی که در آن تشکیل شد در سال ۱۸۱۹ به فرانسه معرفی شده است ...»

با توجه به اینکه در آن ایام لژ گرانداوریان فرانسه در سرزمین عثمانی فعالیت

1—Researcher And Missionary Labours Among The Jews .
Mohammedans and other Sects (London), 1835, P. 41 .

2— Perkins.

3—A. Residence of Eight years in Persia among the nestorian
christians (andover, 1843), P. 41

۴— شورای طریقت فراماسونری آمریکائی با ارسال يك فتوکپی از کتاب تاریخ فراماسونری ←

داشته چنین بنظر میرسد که طریقت مذکور از طرف این گرانند لژ بوجود آمده باشد. در تأیید آنچه گفته شد بایستی یادآور شویم که در کتاب «دیکسیونر فراماسونری بین المللی» Internationales Freimaurer Lexikon که در سال ۱۹۳۶ به زبان آلمانی در آلمان چاپ شده و در سالهای اخیر سازمانهای «فراماسونری آبی» آنرا تجدید چاپ کرده، ازین «طریقت فلسفی ایران» ذکری شده است. نویسنده این دائرةالمعارف ماسونی ضمن نقل هفت درجه و سمبل اجراء شده در طریقت مذکور مدعی است که «این طریقت فراماسونری از فرانسه به سرزمین عثمانی منتقل شده است»^۱ یکی از فراماسونهای کنونی که در این رشته مطالعات فراوان دارد و خود نیز مدتی در ترکیه مشغول مطالعه بود مدعی است که هم اکنون در شهر قویه یکدسته از درویش که خود را فراماسون میدانند ولی به هیچیک از دستجات و سازمانهای فراماسونی جهان بستگی ندارد طریقت ماسونی مذکور را شدیداً اجرا میکنند. این درویش فراماسون به هیچوجه خارجیان و حتی بزرگترین صاحبان مقام و مناصب ماسونی جهان را بدون لژهای خود راه نمیدهند. اینان هنگام اجراء تشریفات و آداب و رسوم همه اعمال را به زبان فارسی و کلمات متداول و معمول فارسی در قرن نوزدهم اجراء می کنند بدون اینکه اعضاء آن زبان فارسی بدانند و یا بدین زبان صحبت کنند.

این دسته از فراماسونها علائم و رموز و اشاراتی که عیاران ایرانی در دوران سلطنت شاهان صفویه در ایران بین خود داشتند عیناً اجرا می کنند و با این علائم همدیگر را می شناسند و حتی بوسیله آنها در اجتماعات باهم سخن می گویند. طریقت

— جهان این اطلاعات را در اختیار نویسنده گذاشته است. همچنین در دائرةالمعارف سلطنتی فراماسونری نیز درباره طریقت مذکور اطلاعاتی داده شده است، رجوع شود به صفحه ۵۵۸ این کتاب.

۱- رجوع شود به ص ۱۳۱۸ زیر نام Persian - چاپ دوم کتاب «دیکسیونر فراماسونری بین المللی» فوق الذکر که در فراماسونری آلمان به دائرةالمعارف فراماسونری آبی نیز معروف است.

مذکور درین مرشدها و پیران در ادبش مولوی سه شهر قویه ، ارزروم و ازمیر متداول است و این سه لژ با هیچیک از اجتماعات و سازمانهای ماسونی ترکیه کنونی ارتباط ندارد . آنان نام محل اجتماعات خود را « میدان علی » گذارده اند . در آخر هر تشریفات پیر بزرگ و قطب که در سدر همه نشسته شراب « طریقت » مینوشد و اطرافیان او هنگامی که می خواهند « میدان علی » را ترک گویند دست او را میبوسند . در دست قطب بزرگ بجای چکشی که استاد هر لژ هنگام اداره محفل بدست میگیرد تبرزین قرار دارد و از این نظر نیز اعمالی که انجام می شود در همه لژهای ماسونی جهان معمول است . بموجب مطالبی که یک نویسنده آلمانی بنام « دان سبوتندرف » در کتاب خود بنام « کیمیا - گران قدیم خاورمیانه » منتشر کرده ، « ... فراماسونری و سازمانهای بنائی همیشه در سرزمینهای ایران و عثمانی وجود داشته است و بنایان این ناحیه از خاورمیانه مشترکاً فعالیت هائی داشته اند » ، نویسنده مدعی است که کیمیاگران این منطقه علائم بنائی را که هم اکنون در لژهای فراماسونری جهانی رواج دارد ، بکار می بردند و برای اینکه اسرار حرفه آنها محفوظ باشد ، علائم و اشاراتی بین آنها وجود داشته که دیگران از آنها چیزی نمی فهمیدند .

« دان سبوتندرف » از بحث خود چنین نتیجه میگیرد که سازمانهای بنائی در دوران سلاجقه در عثمانی و ایران رواج داشته ، ملکشاه و وزیر او نظام الملک از سازمانهای بنایان بی اطلاع نبوده اند . « سبوتندرف » میگوید : مردم ایران و عثمانی همیشه از آداب و تشریفات بنائی و سازمانهای حرفه ای برخوردار بودند .

اگر نوشته ها و اظهار عقیده محقق آلمانی صحیح باشد باید این نکته را قبول کرد که « طریقت فلسفی ایران » مورد ادعای او ، زیر نظر ایرانیانی که از اسرار و رموز و علائم بنائی اطلاعاتی داشته اند تأسیس گردیده و سپس از ازمیر به ایران منتقل شده است .

متأسفانه در هیچیک از تواریخ دیگر ماسونسی در باره طریقت مذکور ذکری نشده ، و از تشکیل این لژ در ایران حتی اشاره ای بمیان نیامده است . در سالهایی که

این رساله باب : سر پرست و مدتی : بی : است
 برزخه تا کرد و بی : در ذوق الهی و آن رساله
 ترجمه کرده و بی : در هر یک از این رساله ها
 در بیستم باب : بی : در بیستم باب : بی :
 بیستم در هر رساله بی : بی : بی : بی : بی :
 بی : بی : بی : بی : بی : بی : بی : بی : بی :

دستخط ادیب المعالک در
 مقدمه رساله لاتین و یونیورس

ماه گذشته ب. خطیب این وظیفه را بر عهده گرفت و شرحی در باب حکمت و اهمیت
 سرپوشی که یکی از نخستین تکالیف م. بی است اظهار نمود .
 اینک من نیز اجازه خواسته ام که این تکلیف را بتبوت خود اداء کنم و موضوع
 نطق خود را (تعاون) که يك تکلیف دیگر م. بی است قرار میدهم . چه من این تکلیف
 را از تکالیف دیگر حتی از سکوت و سرپوشی نیز واجب تر و مهم تر دانسته شرح و تفسیر آنرا
 نیز دشوار تر تصور میکنم . زیرا این تکلیف دارای صور و ظهورات متعدده است که ایفای
 هر يك از آنها در غایت صعوبت و مستلزم يك مملکه راسخه و تربیت عمیق م. بی است . و در
 حقیقت اثبات این معنی نفی يك مثل سائر کهنه است که آثار حقیقتاً حزن انگیز آن
 هنوز در جریان تمام ترقیات انفرادی و اجتماعی عالم بشریت باقی و آن مثل این است :
 آدمی گرگ است برای آدمی .

اولاً باید دانست تعاون چیست ؟ تعاون يك عقد و اتحاد در رابطه اتصال محکمی
 است که مابسط و تعمیم آنرا در تمام نوع بشر آرزو میکنیم . ولی من باب تصور استعداد
 و نواقص آداب و اخلاق امروزه مجبوریم علی العجاله این معنی را بطور تمامیت و کمال

در میان قسمت کوچکی از نوع بشر یعنی ف. م. ی بکار بریم .

تعاون يك پیمان معاوضت متقابل و حمایت متبادلی است که باید تمام ف. م. هارا در حیات دنیا مانند برگهای يك درخت و اعضاء يك عائله متحد نماید . بالاخره تعاون عبارت است از مجموع خیالات و حیات و افعالی که بواسطه آنها مخاطبه بنام ب. م. که میان ف. م. م. حاصل است باید تعبیر نام يك اتصال حقیقی و مواحدت متین و محکم باشد که مجرد تلفقه لسان و الفاظ خالی از مغز و مقدار .

از فحوای کلمات سابقه اجمالاً معلوم میشود که تعاون بعقیده من اساس و بنیان ف. م. ی. است . اینک سعی میکنم که این دعوی را اثبات نمایم : اگر در رساله اولیجات شاگردی که همه شماها در دست داشته اید در همین کتابچه مختصر که مندرجات آن برای ما باید خیلی گرانها باشد تعریف ف. م. ی. را بچونیم این عبارت را خواهیم یافت .

ف. م. ی. مردی است آزاد و صاحب ملکات نیک که عدالت و حقیقت را بر همه چیز ترجیح دهد و بواسطه وارستگی از اوهاام پست عادی غنی و فقیر را یکسان دوست بندارد و در صورتیکه متقی و پرهیزگار باشند اکنون ببندیشیم ب. م. ن. من که چرا این آزاد مردان و خداوندان سیرتهای پاک که سلطنت عدل و استیلای حق را گرامی ترین آمال خود میدانند ایجاد این اساس را که ما بعضویت آن افتخار میکنیم لازم شمرده و ضرورت چنین اتحادی را حس کرده اند ؟

آیا میتوان تصور کرد که این اشخاص جز مبادله نظریات فلسفی و وسائل خیالیه خود مقصودی نداشته فقط باین امید که تدریجاً افکار آنها در عالم خیال و وجود ذهنی گسب حالات و صور جدید کند بضرورت چنین تأسیس قائل شده اند ؟ من چنین فرضی را معتقد نیستم . چه این نکته را نباید از نظر دور کرد که مجامعی که کم یا بیش تعداد اعضا در آنها معتبر باشد برای تولد و تکوین خیالات فلسفی جایگاه مستعدی نیست . خیال در حالت وحدت و انقطاع بهتر شکسته میشود . بعلاوه این خود لافی گزاف و زیاده طلبی جسورانه ایست که پس از پنجاه قرن که اسان متفکر در عالم هست اکنون تنی

چند از اشخاص هر قدر خود را متبحر و صاحب نظر تصور کنند انجمن کنند تا برای معانی عدالت و مساوات اجتماعی و امثال آنها صورت فکری به بدیع تر و زیبا تر از آنچه تا کنون بنظر دانشمندان سلف رسیده است بیندیشند . یا جهد کنند که فضیلت راستی را بر دروغ یا عدل را بر ظلام یا بردباری را بر تعصب یا درستی بر تقلب یا عفو و رحمت را بر فضالت و قسوت . بالجمله مزیت تمام فضائل را بر زائل بهتر از پیشینیان ثابت و روشن نمایند .

ب . ن از این بیانات من تصور نکنند که ف . م . م . مکلف یادای يك و وظیفه ارشادی و تعلیمی نیست . بالعکس هر کس طالب وسایل حسن استعمال قوای انسانی و حسن تفهم تکالیف خود باشد این وسائل را در معابد ما خواهد یافت ، و از این راه بکمالات نفسانی و مقامات اخلاقی خواهد رسید . در معابد ماست که هر انسان عاقل و معتدلی باطمینان قلب و سکون خاطر به تناول حظ اوفی و سهم اتم از خطوط روحانیه موفق تواند شد .

لکن باید در نظر داشت که کثیری از اعظم فلاسفه نام معانی و مدرکاتی را که برای اصلاح افراد و اجتماعات بشری مفید دانسته اند در تصبیقات خود با اشارات فائده تأیید و تخلیه کرده اند و تکلیف تعلیمی ما نسبت با معانی و مدرکات [يك کلمه خوانده نشد] از حدود شرح و تفسیر تجاوز نتواند کرد و بالجمله تکلیف ارشادی و تعلیمی ف . م . م . ی هر چند تکلیفی نغز و نجیب و مهم است ولی تکلیفی دیگر اجل و اللطف و انسی بر ف . م . م . وارد است که مزیت آن بر نخستین مزیت وجود خارجی بر وجود ذهنی و مزیت فعل بر قوه و عمل بر اندیشه و حقیقت بر توهم است .

این تکلیف ثانوی يك جبهه مبرم و کوشش دائمی است برای بنیان تدریجی دوره حقیقت و عدالت و برادری که گراهی ترین وسیله آمال ماست و برای ظهور رسائل استکمالانی که درجات نازله آنها نیز با حرارت و عشق بسیار آرزو میشود و با خون دل و تعصب مفرط بدست میآید . بالجمله ب . ن . فی . م . من هر چند در خود مقام ف . م . م . ی است که مدرسه عالی تریه و تعلیم اخلاقی باشد اما باید بیشتر در ایجاد کارگرهای جدی و فعال سعی کند نه آنکه اهم خود را به تکثیر خود دانشمندان صاحب نظر و خیال آفرین مقصود گرداند . چه اگر ف . م . م . ی مدارك مریدین خود را فقط بر حسب اصول

عالیه فلسفی و نکات حسنه اخلاقی تربیت کند و از آن حد و بهت حاصل خیزی که باید در عالم اجتماع بشری این جماعت را جد متهور و عمله عاشق فتح و نصرت افکار م. م. نی کند غافل نشیند کار خود را ناقص و اعرج گذاشته است .

اینجاست ب. م. ن عزیز من که ما بین افراد جمعیتی که می خواهد کار خود را بنظریات عادی از عمل و مفاهیم اعتباریه ذهنی محدود کند بلکه مدعی است که انسانیت را بعبای یک آتیه نورانی که سعادت و کمال مطلوب اوست سوق کند ضرورت یک تعاون محکم و تزلزل ناپذیر با یک وضوح ساطع و لامعی احساس می شود .

پیش از این گفتیم که افکار بدیمه و اندیشه های باریک و بارور کمتر از مجامع کثیر الاعضاء حاصل می شود بلکه عادتاً از شخص واحد یا جماعت قلیل به صدر می رسد . همانطور که عقیده مذکور علی الظاهر دور از صحت نیست یک قانون قلیل الاستثنای دیگر بما می آموزد که آن ابداعات و تجدیدات سیاسی که باید بوجود خارجی و ظهور نفس الامر مخصوص شوند جز از جمعیتی کثیر الافراد مرکب از اشخاص صاحب عزم و لایب العقیده بطور مفید و ثمر بخش حاصل نتواند شد .

شخص واحد انسانی که در دارالملک خیال قوی است ، در مقابل حقایق خارجی که مانع ترقیات بشری هستند ضعیف است و تقریباً بالضرورة در عملیات اصلاحیه سیاسی که اقدامات یک جمعیت متحد ممکن است کسب موفقیت کند ، آدم تنها و بی کس به یأس و نومیدی محکوم است . همین است دلیل باریک و محکمی که ما را بسوی تعاون و تظاهر حقیقی مجبور می نماید .

جدوجهد متفرق و غیر منظم ما هر قدر از روی خلوص نیت و صفای قلب باشد عقیم و بی حاصل می ماند ، همین که مانع نظم و ترتیب و متوجه بمقصد واحد شد غالباً بحسن نتیجه و کمال توفیق و مصارمه می کشد .

اکنون که علل وجودیه تعاون م. م. نی را بر حسب نظریات خود بسمع ب. م. ن رساندم سعی می کنم که کیفیت بکار بردن این مواحدت برادرانه و ترتیب اجرای این عهدنامه مظاهرت نامه را که اتاج عملیات ما فقط مشوقف بر حسن اعمال آن است نیز

برای شما تجزیه کرده بساط ضروریه آنرا بشما ارائه کنم .

اولا بدانید این همکاری و همدستی دائم ، این توازن و تقابل در عملیات که سرچشمه تمام قوای ماست با کمال سطوت و استیلا بر ما ایجاد می کند که ما ف . م . ها اتم و اکمل انواع اعتماد و حسن ظن نسبت بیکدیگر اعمال کنیم .

منحصراً این نکته را نباید فراموش کنیم که کار ف . م . ی بالتام در معابد انجام نمی گیرد چه معبد در حکم مدرسه است و زندگانی در حکم میدان وسیع عملیات که ف . م . باید رفتار خود را در این میدان با تعلیماتی که فرا گرفته است منطبق نماید . از همین نقطه نظر است که اگر کسی اعتقاد کند که تعلیمات يك سال . برای تمام مواقع زندگانی متضمن يك دستور العمل صریح معینی است ، تصویری طفلانه کرده است .

بسا خیال ها و طرح ها ، بسا اصلاحات و ابداعات ف . م . ها خیال خود را در خارج برای تقویت و تائید یا منع و نظاره با آنها صرف می کنند ، در صورتی که هیچوقت حتی در اساس و کلیات آنها نیز صحبتی در کلام نه های م . نی بعمل نیامده است .

در امثال این احوال اگر صراط حق مشکوک یا مخفی باشد تکلیف يك ف . م . حقیقی چیست ؟ اگر ف . م . در چنین موقعی به تنهایی خط حرکت و رفتار خود را معین کرده به مشاورت و استقامت از فکر و تجربه ب . ن مبادلات نکند خطرانی را که کمتر قابل عفو است مرتکب شده . چه اینگونه رفتار ممکن است در صورت عدم اصابت يك حرکت استکمالی طبیعی و مفید را قاش و بی اثر کند یا يك نمو و خیمه اثری را تسریع و ترویج نماید و بر فرض اصابت و یا عادت نیز ممکن است ب . نی را که معاونت و معاضدت آنها صاحب این رفتار یا مفید و صمیمی توانستی بود در صراط باطل متوقف گذارد ، تا از روی غفلت و بی خبری آنها نیز برخلاف صلاح کار کنند و خیر و فلاح در میان این کشمکش مغفول غیر معمول بماند . بنابراین نخستین کلام جامعی که دارای معنی تعاون مطلوب باشد ، چنین خواهد بود : موقع استفاده از دانش و تجربه ب . ن را از دست ندادن و از [چند کلمه نوشته شده] افکار و نظریات خود بر آنها غفلت روا

نداشتن پس هر وقت در بیرون معا بدم . بی عده از ب . من بر حسب اتفاق در شغل و عمل شریک شونده اولین وظیفه آنها این است که هم در نتیجه مطلوبه از عمل هم در اختیار خط حرکتی که مؤدی به مطلوب تواند شد از روی اعتماد صادق و کامل با یکدیگر متفق و هم رأی شوند .

همین مطلب است که چندین بار در این کتاب . نه از ب . ن وکیل خود درخواست کرده ایم اما بد بخانه باید اقرار کنیم که نتیجه بزرگی برای این درخواست ما مترتب نشده است . چرا ؟ زیرا که عنصر اصلی این همکاری و همدستی خالصانه که حسن ظن و اعتمادات در میان ب . ن مفقود بوده است و بهمین دلیل هر وقت مجامع شوریه داشته اند جز مبادله الفاظی خالی از حقیقت حاصلی نداشته است در این مجامع به جای آنکه چنانکه رفتار ب . ن باب مقتضی است بی شائبه خودداری و امساک خیالات و آمال و طرحهای خود را در دامن ریخته بیکدیگر تسلیم کنند . غالباً يك صمیمیت و سکونی با احتیاط که باید دشمن در میان خود مراعات کند بکار برده اند .

پس قدم اول در شاهراه تعاون حسن ظن و اعتماد است و من هر چند گمان می کنم که از اثبات فقدان این خاصیت در میان ب . ن کسی را متعجب نکرده باشم . یقیناً راسخ دارم که این تقیصه قابل اصلاح و علاج است چه موافق يك قانون طبیعی که در علم نفس و قوای نفسانیه مقرر و مسطور است حسن ظن و اعتماد خود موالد حسن ظن و اعتماد است چنانکه ترقی با اسائه ظن و مذاجات نیز موجب شیوع و سریان همین صفات است . آنان که در میان شما سخنان مرا بعلائم صحت مقرون دیده اند اگر عادت کنند هر وقت در حالات زندگی اجتماعی وجدان ف . م . بی آنها دچار دغدغه و نردیدمی شود . ب . ن را که در آنها صلاحیت اضافه و ارشاد می بینند باز هسته شبهات خود را بر آنها عرضه دارند و دلائلی که موجب حیرت و تذبذب آنهاست باز گفته با وسوسه می کنند که آنها را در احدی الطریقین متوقف دارد اظهار نمایند و بالجمله از آنها يك کنسکاش برادرانه مشتت کنند بوجه تعیین مزد این زحمت را باز خواهند یافت و این ترتیب حسن ظن مطلق و اعتماد تام را که برای افاضه يك صورت وجدانی جمعی بر کا . نه وسیله واحد

است به تدریج محقق تواند نمود .

بنابراین زهار ، ای برادران از اجتماعات مخفی و مستور از یکدیگر و مکیدت به سیاه دلی نسبت بهم حتی از احتیاط و مبالغه در تحفظ و امساک کلام که این جمله موجب سلب اعتماد متقابل باین از یکدیگر می شود .

بدانید باین که سلامت و نجات از این راه بیرون نیست و تعیین کنید که اگر یکی از ماها در حالت حاضری فریفته و متخدد شده یا گرفتار رنج و عذاب باشد آن فریفتگی و رنج و زحمت در آن واحد به جملگی ماها فرداً و جمعاً عاید و متوجه شده است .

پس ، درست شد که اعمال حسن ظن از لوازم اعمال تعاون است بلکه انفکاک این دو عملاً و تصوراً از یکدیگر ممکن نیست ، لکن باید بدانیم که برای تحقق تعاون حسن ظن تنها نیز کافی نیست چه هیچکس از شخص متردد و منزلی که از زمین و بساط خود استشاره کرده علی الظاهر با هر عقیده متمایل شده اما چون قدر و قیمت سخنهای عاقلانه را که لفظاً تصدیق می کند بر حسب حقیقت مستشعر نیست شاید بالاخره پس از استشاره از این و آن برای شخص خودکار می کنند غائب تر و خاسر تر نیست .

هنوز برای آنکه یک گروه آدمی بتوانند حقیقتاً بر اصول تعاون کار کنند ، آزاد است که علاوه بر حسن ظن و اعتماد متقابل یک دستور العمل عمومی و یک نظام هیئتی را دارا باشند . من نمی خواهم اکنون در باب نظام هیئت م . . . فی شرح و بسط زیاد بدهم همینقدر گفتن کافی است که بعقیده من آن دستور انتظامی که فرا گرفتن آن در نهایت دشواری است و احکام آن دور از قطعیت است و سهو و غفلت در مراعات آن بسیار واقع می شود دستور و نظامی است که باید اشخاص کثیر العدد را تابع خویش کند . من تصور می کنم یکی از علل و اسباب عظیم عملیات ما که نظیر آن را در استرهای کامل مشروطیت ایران نیز مشاهده می کنیم عدم نجات و توجهی است که نسبت به تصمیم اکثریت که روح و اساس جمله نظامات اجتماعی و عنصر اصلی حکومت مشروطه است مرعی می داریم .

مملکت ایران که در طول قرون متکثره در تحت فشار اصول استبداد وارد شده مطلقاً شخص واحد اسیر بوده است عجب نیست اگر از فرط عطش و انزهایی که برای آزادی اظهار می کند و نظر به عکس العملی که نتیجه تضییقات سابقه است متوقع امری شده باشد که هیچ قومی در تحت هیچ قاعده ای بدان نائل نتواند شد. و آن اداره امور مملکتی است به توسط مجموع اهالی اجتماعاً و به توسط هر يك از آنها انفراداً .

اختیاراتی که در حکومت های ملی به افکار عمومی تفویض و در پارلمان متمرکز می شود ، مقوم و مشخص این حکومت هاست پس اگر کسی این اختیارات را از اختیاراتی که ملوک و سلاطین در حکومت های استبدادی غصب می کنند اولی باطاعت و انقیاد نداند يك خطای خطرناك بلکه يك خیانت عظیم نسبت به وطن او تکاب کرده است . چه نتیجه این خیال که بدبختانه در بعضی اشخاص طبیعی است جز به هرج و مرج و نفی مطلق حکومت یعنی به يك ترتیب یا بی ترتیبی که مستلزم تفویض اختیارات به عموم افراد یعنی سلب اختیارات از تمام افراد باشد مؤدی نتواند شد .

این مسئله نیز واضح و مسلم است که اطاعت تام نسبت باکثریت برای تمام اهالی مملکت نمره يك تربیت و تعلیم سیاسی طولانی است . هنوز فرانسه ها به طور کمال این قاعده را رعایت نمی کنند و در میان اقوام اروپا فقط انگلیسها به کمال ، اهمیت این قاعده اعتراف دارند .

اما من آرزو می کنم که در نزد جمعیت کوچک برای استکمال اخلاق و تحصیل شرافت و سعادت حقیقه در این خانه جمع می شوند این اصل که حقیقت و روح حکومت عالیه بیشتر مقبول و محترم باشد . یعنی وقتی که ف . م . : . : های يك ك . . نه به اکثریت قطع و تصمیمی کردند به جای آنکه همه آن را مانند يك وظیفه مشافه و تکلیف معتبر تلقی کرده دائم در فکر آن باشند که معافیت خود را از آن اختلاس نمایند ، جملگی آن قطع و تضمین را چون يك فریضه مقدمه و شغل محبوب استقبال نمایند ، چه این اراده ایست که بر شائبه اگر اه و اجباراً از اکثریت جمعیتی صالح که هر يك بر حسب وجدان خود رأی داده اند صادر شده و بنا بر این مفایرت آن با صحت و اصابت بیشتر

تواند بود .

قبل از آنکه در مسئله تعاون که بدون آن اساس ف . م . ی ها ممکن نیست (به همین دلیل باید از صمیم قلب متوجه آن باشیم) نتیجه بگیریم لازم است يك وجه دیگر از این تکلیف اساسی را که شاید در بادی نظر به اوج اولی متناقص به نظر بیاید و با همدستی نام در امور مشترك که تا کنون از آن سخن رانده ایم منافی فرض شود نیز به سمع ب . ن برسائیم .

نام این وجه تعاون که از انضمام دو کلمه متباعد آن مفهوم به یکدیگر حاصل می شود (تعاون انفرادی) است و برای اینکه خوب مفهوم می شود از این کلمه مبهمه چه قسم تکالیفی در نظر داریم . اندک توضیحی لازم است :

در التزام نامه م . ن ی که تمام ماها در موقع وصول بروشنائی امضا کرده ایم و مطالعه دقیق آن تمام تکالیفی را که بر ما وارد است بطور صریح ایضاح مینماید این دو جمله مندرج است :

یکی آنکه « من وعده میدهم که باغیرت و ثبات و نظم در کلا ف . م . ی بکوشم »
دیگر آنکه « من وعده میدهم دوست داشته باشم برادران خود را و با آنها بتمام قوه خود معاشرت کنم و در هر موقع قانون بزرگ تعاون انسانی را که مسلک اخلاقی ف . م . ی است بکار برم . »

نخستین این دو جمله که تکلیف فاعلیت و عاملیت م . ن ی را اعلام میکند . مشکل اول تعاون را که تا کنون از آن بحث میکردیم و میتوانیم آنرا تعاون اجتماعی بنامیم متضمن است ، و من در اثبات این معنی که فعلیت م . ن ی جز با رعایت اعتماد و نظم و ترتیب که همکاری و همدستی نتیجه آن است عملاً و تصوراً از قوه بفعل نیاید بقدر کافی سخن راندم .

جمله ثانی که بیشتر مربوط است بتعاونی که فعلاً از آن سخن میگوئیم معنی آنرا بصورت دیگر در نظر ما جلوه می دهد : در این جمله می بینم بدون اینکه بتکلیف اجتماعی ف . م . ی اشارتی شده باشد بما امر شده و بطور صریح وعده داده ایم که يك دیگر را

دست بداریم و با تمام قوه خود با هم معاضدت و مساعدت کنیم . اکنون باید دید که کدام است آن مساعدت دائم و جدی که هر ف . م . به ب . ن خود مدیون است و حق دارد بنوبت خود از آنها متوقع باشد؟ آیا مراد همین دستگیری اولی و فطری انسانی است که روابط نوعیت رعایت آن را بدرماندگان و مصیبت زدگان الزام میکند یا همان اعانتی است که غنی به فقیر مدیون است زیرا که روح انسانی او از مشاهده فقر و فاقه متألم میشود یا همان احسان اقویا به ضعفاست که ضعف و بی چارگی آنها آنرا جلب میکنند؟ البته هرگاه يك . م . ن در مقابل م . دیگر با این قانون بزرگ انسانی که دستگیری ضعفا و کشف هموم درماندگان را بر ما واجب میکند مخالفت نماید از رتبه و مقام خود منحط و تنزل میشود .

اما سخن اینجاست که تکلیف ف . م . با ینقدر محدود نیست و چون خود را با این مقدار قانع کند بیشتر از یکی از صور تعاون را که رأفت و رحمت م . ن و بمقیده من لازلترین مراتب تعاون است بکار برده . تعاون متضمن مقدمه رأفت و رحمت هست ولی عموم و استیجاب آن چند بیشتر است چرا که فقط بدین حد توقف نیست که اغنیا را بمعاونت فقرا و مقتدرین را بحمايت عجزه یا اقویا را با رفاه ضعفا تحریر می کند ، بلکه کمکها و همدستی مادی و معنوی را که ممکن است در حالات مختلفه زندگانی توانگران از توانگران واقویا و متنفذین از امثال خود متوقع باشد نیز مانند يك تکلیف اساسی واجب میکند . من مدعی هستم که اجرای این شرط جدید عهدنامه از بکار بردن رحم و رأفت خیلی دشوارتر است زیرا در حالتی که رحم و رأفت نتیجه دقت است که یکی از حسنیات طبیعی انسانی است مساعدت شخص با عدیل خود ممکن الحصول نیست جز بنیروی قمع و نصرت قوه عاقله انسانی بر خصلت حسد که هر چند اقرار و اعتراف بدان دشوار است ولی بد بختانه شیوع آن از دیگر خصایل معتبرتر است ، باید بخود بگوید : که هر چه مقدار اعتبارات اجتماعی یکی از ب . ن را زیاد کند بر نفوذ هیئت ما می افزاید و شخصیت و عظمت هیئت ما را ترقی میدهد چرا که تمام ف . م . ها در زندگانی معاهدین مدافعین و حمایت یکدیگر هستند .

مشغول تحقیق در این باره بودم نیز هیچیک از نویسندگان فراماسونری جهان اطلاعاتی در این باره نداشتند و فقط يك نویسنده فرانسوی وابسته به لژگرانند اوربان که مقیم پاریس است، در تأیید آنچه در این دو منبع ذکر کرده‌اند، اشاره بوجود يك سند جالب در آرشیو لژ مذکور کرد که بنوبه خود اهمیت شایانی دارد.

جالب اینجاست که در طریقت فلسفی بنایان ایران یعنی سازمانیکه ظاهراً در ازمیر و ارزنة الروم تشکیل شده، درجات هفتگانه‌ای وجود داشته که بعدها بعضی از لژهای کنونی جهان از آن تقلید کرده‌اند. طریقت مذکور که شاید ایرانیان در وجود آوردن آن بی تأثیر نبودند و بهمین جهت بنام طریقت فلسفی ایران مشهور شده هجرت از :

1- Symbolical - J. Listening Apprentice.

2- F.C. , adept. Esquire of Benevolenc.

3- Master, Knight of the sun, II Capitular.

4- Architect of all Rites , and Knight of the Philosophy of the Heart.

5- Knight of ecicism and Truth. III. Arco Pagata.

6- Master good shepherd.

7- Venerbl Grand elect.

حمدا لگار محقق و شرق شناس انگلیسی الاصل و آمریکائی الموطن که در دانشگاه برکلی کالیفرنیا امریکا به تدریس مشغول است درباره این طریقت ایرانی و وابستگی آن به ایران و ایرانیان شک کرده و چنین می نویسد: «... در سال ۱۸۱۹ (۱۲۳۴ هـ) در پاریس يك آئین ایرانی که ظاهراً سال پیش از این تاریخ در ازروم بنیاد شده بود وجود آمد اما بنظر میرسد که در ادعای بستگی آن بعنوان «ایرانی» بیشتر نشانه‌ای از انعکاس تمایل مرسوم به یافتن ریشه‌های شرقی برای فراماسونری باشد. این فرض اشتباه که ارز روم يك شهر ایرانی است جعلی بودن آن ادعا را ثابت میکند...»^۱

۱ - مقاله تاریخ فراماسونری در ایران ص ۷ بقلم حمدا لگار . باید دانست که نویسنده زبانهای فارسی - عربی و ترکی را بسیار خوب و صحیح می نویسد و می خواند و پایان نامه تحمیلی اش در باره نقش علماء ایران در انقلاب مشروطیت می باشد وی همچنین کتابی درباره میرزا ملک خان زیر چاپ دارد و مقاله « فراماسونری در ایران » او نیز منتشر شده است .

من در این موضوع این شرح و تفسیرها را بیایان میرسانم و امیدوارم با ثبات این دعوی موفق شده باشم که میان تمام وظایف م. م. نی تعاون و وظیفه ایست که هم شرح و هم تفسیر و هم اعمال و اجرای آن دشوارتر از سایر تکالیف است و هم اهمیت مقامش بالاتر از آنهاست بلکه وظایف دیگر را بنحو وحدت و بساطت داراست چه از آنجا که مستلزم معنی اعتماد و حسن ظن است متضمن سرپوشی تام نیز هست و نظر به تضمین معنی همدستی مستتبع يك نظام محکم و لازم الرعایه است که باید دستور رفتار ف. م. م. ها باشد و نظر با اتحاد محکمی که در روابط اشخاص بما وصیت میکنند مستدعی وفای کامل بقول وعده و مترجم اتم معانی عشق و برادری است.

پس ای ب. م. ن عزیز من بهترین مقطع کلام من این تواند بود که باز از این وضعیت خود را اعاده و این التماس را تکرار کنم که هر چند قانون تعاون از نظرهای ماصعب التناول و مستلزم مشاق نفسانی بسیار است ولی جهد کنیم تا اقصی درجه امکان مطیع آن باشیم و اگر وجدان ماها به صمیمت حکم میکند که فقدان سرپوشی، سوءظن، بی نظامی، بدگامانی و سیاه دلی ما نسبت یکدیگر و بالعجله نفاق و شقاقهای داخلی ما قابل علاج نیستند، پس بیایید در این معبد را بر خود بسته و این مقام قدس را بنفاق و اختلاف خود آورده و لا ینکسر و لا ینکسر و نام زیبای ف. م. م. را که لایق نیستیم زودتر از خود خلع کنیم بهتر است. آری ب. م. ن من اگر کسی از ترقیات دیگران که در درجات مادون وی واقع میشود احساس نفرت نکند چه قدر معدود و نادرا الوجود هستند دلهای صاف و پاک که از ترقی امثال و مهتران خود نیز احساس يك نوع آزرده گی رشك آمیز نمایند.

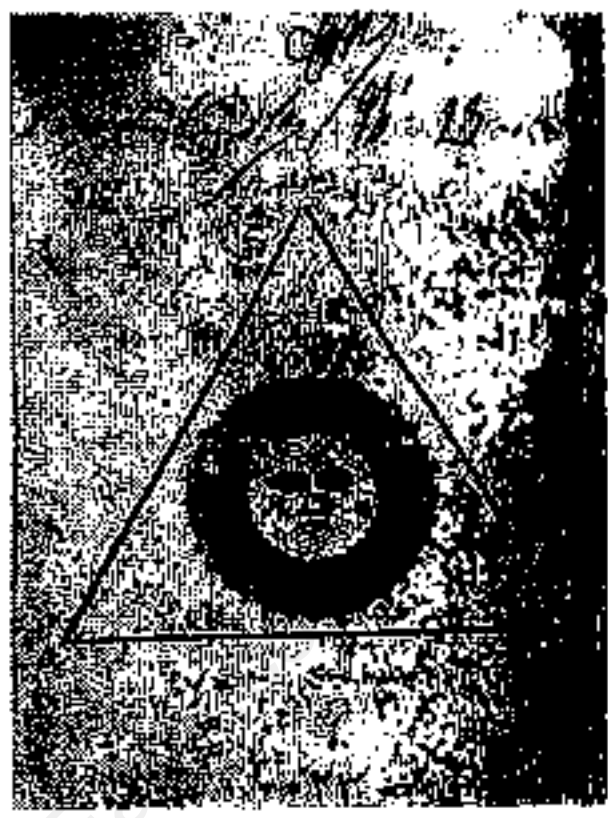
بهین جهت است که رحم و رأفت از تعاون حقیقی شایعتر و فراوان تر است و بهین نظری یکی از بزرگترین صور تعلیمات م. م. نی این است که شخص مستخلق شود باینکه حس است رقابت را که غالباً حسیات ما حتی نسبت به ب. م. ن نیز ناشی از این حس است در خود اخمداد و اطغاء کند و خود را مجبور کند که بر هر تقدیر ب. م. ن خود را از صمیم قلب از حملات دشمنان مدافعه و حمایت نماید. اما نباید تصور کرد که بکار بردن این نحو از تعاون که من عمداً پرده از روی اشکالات آن برداشتم مستلزم ترك کردن خودی خود و

تشخیصات آن انسانی است چه لازم نیست بر اینکه کسی يك ف. م. م. صالح بشود يك وجود مقدس معصوم از زلات انسانی با يك روح مجرد از علائق عنصری باشد. فقط لازم است چنین شخص انسان باشد ولی اسان عاقل خیرخواه چه اگر تعاون م. م. نی يك اتحادی است که عمل بشرایط آن خالی از صعوبت نیست ولی بر اساس انصاف نهاده شده و چون رعایت تقابل و تکافو در آن ملحوظ است صعوبت و اشکال آن نیز قابل تحمل است و برای ما این هر ادرت که شخص بالطبع از قدرت و افتخار و اعتباری که بدیگران نصیب و از وی منع شده است احساس میکند يك ف. م. م دیگری که از وی^۱...

www.KetabFarsi.com

۱ - نسخه‌ای که در اختیار نویسنده است و خان ملک - انسانی چندی آنرا به امانت گرفته و از آن رونوشتی برداشته ، ناقص است که عیناً نقل شد . جالب اینکه نسخه دیگری از این ترجمه هلق ویز یوز که در اختیار یکی از فراماسونهای قدیمی است از صفحه پانزده به بعد آن قطع شده و شاید حاوی مطالبی بوده که بعداً انتشار آن ممنوع گردیده است .

پشت جلد نخستین ترجمه قانون اساسی
لزبیداری ایران که به عضو شماره ۳۳
داده شد.



دکتر امام فروشی - حاج سید نصرالله تقوی - دبیر الملک پندر
مترجمین دومین قانون اساسی لزبیداری ایران

قانون اساسی فراماسونری



این تصویر که در عوزه فراماسونری بزرگ لندن (در انگلستان) وجود دارد ، صفحه اول و باصطلاح صفحه افتتاح کتاب قانون اساسی فراماسونری انگلستان است ، که اولین قانون اساسی جهان می باشد .

در سال ۱۷۲۳ (۱۱۳۶ هـ) دکتر «ژ. اندرسن» با کمک «تئوفیل دزاگولیه» قانون اساسی فراماسونری را نوشت و منتشر کرد. این قانون اساسی که در هر صفحه آن طرز فکر «دزاگولیه» دیده میشود، پس از انتشار، غوغائی از طرف مجامع مذهبی علیه خود پیاورد. رؤساء مذهبی انگلستان اشارات دکتر اندرسن را به «دینی که همه مردم بر آن اتفاق داشته باشند» برای بدور افکندن مسیحیت تلقی کردند و هدف اصلی فراماسونری را نابود ساختن تعلیمات دینی دانستند.

دکتر اندرسن در قانون اساسی خود مینویسد: «بنای آزاد بحکم صنعتی که داراست، لازم باین است که بیرون قانون اخلاق باشد و هر گاه توانست که حتماً این فن را نفهم کند هیچگاه ملحدی احمق یا فاسقی زندگی نخواهد شد...»

او در باره قدرت فراماسونی و عقاید بنایان اولیه مینویسد:

«... بنایان در روزگار باستان، دین و کیش این کشور و ملت را هر چه که بود، گردن مینهادند ولی اکنون نیک بختی را در این یافتند که دین و کیشی را گردن نهند که تمام مردم بر آن اتفاق داشته باشند و آراء و عقاید خاص خود را کنار نهاده ترک گویند. یعنی اینکه مرد باید با فضیلت و حاذق و دارای عفت و شرف باشد و از این رو «بنایان» عهد اتحاد گردیده است و شاهرهی است برای نشر صداقت و درستی خالصانه بین مردم.»

این کتاب که با موافقت استاد اعظم گراندر «دوک دووالتون» تدوین شده بود جنبه رسمی داشت. قانون اساسی مزبور بعدها رشته ارتباطی شد که تمام محافل ماسنی جهان و تمام فراماسونهارا یکدیگر و به محفل خودشان مرتبط میساخت. هر عضو جدید مجامع فراماسنی موظف است این قانون را مطالعه کند و هنگام انجام تشریفات اولیه «شاگردی» آفر اینخواند.

بطوریکه فای نویسنده فرانسوی مینویسد: «طرز تحریر این کتاب با اندازه‌های با موضوع آن و با ذوق آن روزگار سازگار بود که تشکیلات و اتحادیه‌های رقیب فراماسونی

بدون ملاحظه آنرا تقلید و از آن استنساخ میکردند... ۲

در طی قرن هیجدهم محفل‌های بیشمار و فراماسونریهای مختلف پیدا شد. همه لژها قانون اساسی فراماسونری را ترجمه کرده و با عین آنرا چاپ می نمودند، و در اختیار ماسنها می گذاشتند.

قانون اساسی فراماسونها بدین ترتیب در ۱۷۴۵ م (۱۱۵۷ هـ) به فرانسه در ۱۷۴۱ (۱۱۵۳ هـ) به آلمانی در ۱۷۳۰ (۱۱۴۲ هـ) در ایرلند و در ۱۷۳۴ (۱۱۴۶ هـ) توسط بنیامین فرانکلین در امریکا تجدید چاپ گردید و پس از آن لاینقطع ترجمه و پی در پی چاپ شد. بطوریکه هم‌اکنون به بیش از ۸۳ زبان متداول در جهان ترجمه شده و در دسترس اعضاء لژهاست.

این کتاب مشتمل بر يك قسمت تاریخی و بیان منظم تکالیف ماسونی میباشد. قسمت دوم با آنکه زیاد تحت مطالعه واقع نشده ولی از آن صحبت زیاد بمیان آمده است.

اما قسمت اول آن خواندنی و جالب است زیرا مقدمه آن چنین شروع میشود: «آدم جداعالی ما مانند پروردگار «معمار بزرگ عالم» علوم عقلی را میدانسته و مخصوصاً علم هندسه نقش سینه وی بوده است. زیرا پس از «گناه آدم» اصول این علم در قلوب اخلاف وی دیده میشود.

بطوری که با مرور زمان به کمک قوانین نسبت ها که در میکانیک ملاحظه می گردد يك سلسله مباحث علمی به دست آمد و علماء به وسیله فنون مکانیکی اصول هندسه را در يك دستگاه منظم جا دادند و بالاخره علم شریفی که بدین هیچ به وجود آمد مایه تمام هنرها گردید و مخصوصاً هنر بنائی و معماری از آن متفرع شد.

قواعد مخصوصی که برای اعمال این هنر و توسعه آن به کار می رود زائیده علم هندسه است. این علم از آدم ابوالبشر به پسرانش مخصوصاً به «قایل و شیست» رسید. شیست پسر سوم آدم (پس از قایل و هایل) شهر خنوج را بداسم پسرش بنا کرد.

ظاهر آ هابیل فرصت تکمیل معلومات را نیافت و سوابق (بنائی) وی درخشان بود . در صورتی که قابیل يك شهز ساخت و بنا (ماسون)ی عالیقدری بود . سپس پیامبران و ملت اسرائیل و شاه آنان سلیمان نبی معماری (ماسونی) را توسعه دادند .^۱ دکتر اندرسن در قانون اساسی که برای مجامع فراماسونی نوشته ، بر خلاف معماران حرفه‌ای برای تشریح مسئله «خدا» و «دین» روش خاصی به کار برده است . در مجامع بنائیان و ماسونهای حرفه‌ای توجه مخصوصی به ادیان و مذاهب شده و حتی اذکار و اورادی به نام « تثلیث » و اولیاء بهشتی داشتند . در حالیکه در فراماسنی از ۱۷۱۷ (۱۱۲۹ هـ) به بعد ادعیه‌ای خطاب به اولیاء اله نیست .

در قانون اساسی فراماسنی جدید انگلستان که اصلاح شده می باشد ، دکتر اندرسن فقط بحث مختصری راجع به خدا و مذهب به میان آورده که بسیار محتاطانه و در عین حال جسورانه است .

در قانون اساسی مزبور گفته شده است : «يك ماسون» به علت حرفه اش مجبور به اطاعت از قوانین اخلاقی می باشد و هر گاه مفهوم صحیح حرفه را درك کرده باشد هرگز يك ملحد تهی مغز یا يك لامذهب افسار گسیخته نمی شود با آنکه سابقاً ماسونها اجبار داشتند در هر کشوری که هستند وابسته به مذهب محلی باشند اما اکنون بجاست که در انتخاب عقیده شخصی آزاد گذاشته شوند و فقط مذهبی را قبول کنند که مورد قبول تمام افراد بشر است .

بدین معنی که کافی است ایشان مرد خیر و درست و با شرف و درستکاری باشند و از ایشا گذشته وابسته به هر مذهب و فرقه‌ای که می خواهند باشند . بدین ترتیب فراماسنی کانون اتحاد و وسیله ایجاد رفاقت بین مردم خواهد شد .^۲

دکتر اندرسن در حالیکه «مذاهب» و «فرق دینی» را رها کرده و فراماسونهای جدید را از حیث داشتن مذاهب مختلف آزاد گذاشت ، «رفاقت» و «کانون اتحاد» را

۱ - ترجمه قانون اساسی انگلند سال ۱۷۸۰ .

۲ - مقدمه قانون اساسی چاپ ۱۹۲۷ .

جانشین «اتحاد مذهبی» کرده و معتقد است که فقط از این راه ممکن است صاحبان مذاهب مختلف را در يك لژ جمع کرد .

تنها قید اخلاقی که فراماسونری جدید آن را تصدیق و در عین حال ترویج می کند «مذهب طبیعی و عمومی است» فای نویسنده فرانسوی می نویسد: «... فراموشخانه جدید از وحی و الهام و از اصول مذهبی دفاع نمی کند و اخلاقی که ترویج می نماید اجتماعی است ، و بتایینی را که بین عالم ارضی و عالم فوق الطبیعه بوده از بین می برد و دیندار و مقدس کسی را می داند که حقیقت را صحیحاً درك کرده باشد و بالاخره به جای يك (مذهب روحانی) يك (مذهب عقلی) را پیشنهاد و ترویج می نماید . این فراماسونری کلیساها را خراب نمی کند لیکن به وسیله ترقی دادن افکار و اذهان خود را مبیای جانشینی آنها می سازد .

مقام آن همانطور که عالتر از معنویات و عقاید مذهبی است ، از حکومتها هم رفیع تر و بلند پایه تر می باشد . فراموشخانه قدیم همانطور که خادم وفادار شاهزادگان بود ، لااقل نظراً از پاباطاعت می نمود ، در صورتیکه فراموشخانه جدید رویه دیگری دارد و مدعای خود را با مضامین دقیق سنجیده و بسیار معنی دار بیان می کند...»^۱

ملاحظه می شود که این نویسنده «فراماسن» چگونه جملات قانون اساسی فراماسنی را بجای «مذهب روحانی» گذارده و حکومت جهانی فراماسنی را بالاتر و بالاتر از «حکومت های کشورها» می داند .

نکته ای که فراماسونها روی آن انکاء دارند مسئله حکومت جهانی است . ناسیونالیستها معمولاً «حکومت جهانی» را به هر طریق و شکلی محکوم می کنند و به نظر آنان «حکومت جهانی فراماسنی» و تزه های شبیه آن که به ملت ها و حکومت ها و سرحدات بی اعتناست ، دشمن استقلال و حاکمیت ملل مختلف می دانند و پیردان این افکار را در ردیف «کمونیستها» می شمارند . به همین جهت در بسیاری از کشورها که افکار ناسیونالیستی رواج پیدا می کند ، سلول های مخفی فراماسونری نیز تعطیل می شود.

پیدایش سیاستهای مستقل ملی در کشورهایی که قدمت تاریخی دارند در برچیدن
لژها تأثیر فراوان دارد. امید است در کشورمان نیز از این رویه مقدس پیروی گردد و سازمانهای
ماسونی را منحل و نابود نمایند .

در مورد مذهب ، فراماسونی بریتانیا و قانون اساسی دکتر

فراماسونها مذهب اندرسن تا اندازه‌ای حفظ ظاهر در دو قرن اخیر کرده است .
و خدا را هر دو محمد عثمان فراماسن عرب می‌نویسد : « اساس در بنای آزاد
می‌دانند ، همانا آزادی اعتقاد و تضامن در عالم انسانیت است . این نوعی
تجاوز به محفل بریتانیائی بود که در آزادی اعتقاد تا حد الحاد
و انکار پیش نمی‌رود و به طور قطع مقرر می‌دارد که هر بنائیی حریمی دارد برای خود
و روی میز اینگونه محافل کتاب مقدس خود را هیچکس ندارد . در انگلستان انجیل ، در
محافل یهودی تورات ، در کشورهای اسلامی قرآن ... »^۱

ولی گرانداور بیان فرانسه بی‌پروا قانون اساسی فوق‌الذکر را تفسیر کرده مقررات جدیدی
در باره « مذهب » وضع نمود ، که در سال ۱۸۷۸ (۱۲۹۴ م) از طرف محفل بریتانیارد
شد و محفل مزبور رابطه خود را با آن قطع کرد .

بنایان آزاد فرانسوی بعد از انقلاب کبیر فرانسه هدف‌های لژگرانند اوریان را
در يك نشریه رسمی اعلام کردند « ... فراماسونی مطلقاً در مسائل دولتی یا قانونگزاری
مدنی و دینی مداخله نمی‌کند و اعضای خود را وادار می‌نماید در ترقی تمام علوم شرکت
جویند ولی کسانی را که در دورشته از زیباترین شاخه‌های دانش ، کار می‌کنند مستثنی
می‌سازد .

این دو رشته « سیاست » و « دین » است زیرا که این دو علم بین افراد ملل جدائی
می‌اندازند و بنای آزاد بالعکس برای اتحاد افراد و ملل کار می‌کند نه تفرقه آنها »^۲
این جملات مدلل می‌سازد که فراماسونهای فرانسوی در حالیکه « دین » را کنار

می‌گذارند، مسئله اتحاد ملل و فکر «انترناسیونال» بودن را فراموش نمی‌کنند، بلکه به اعضای خود توصیه می‌نمایند که حکومت جهانی و اتحاد ملل را جایگزین نظام کنونی کنند. حتی «فرنان موریس» فراماسن فرانسوی در سال ۱۸۹۰ (۱۳۰۷ هـ) بالصراحه گفت: «بایستی در فرانسه هیچ‌کاری نشود مگر اینکه بنای آزاد اثری مخفی در آن کار داشته باشد و چنانچه بنای آزاد تصمیم بگیرد که خویشتن را بسلك انتظام آورد و خود را منظم کنند ده سال بیشتر طول نخواهد کشید که هیچکس در فرانسه بدون اشارت وی (ها) نمی‌تواند حرکت و فعالیت کند»^۱.

در نتیجه این وضع گراند اوریان بدون پروا به دشمنی با کلیسای کاتولیک برخاست و یکی از فراماسونهای فرانسوی به نام «پانسیلی» رسماً اعلام کرد که کلیسای کاتولیک، کلیسای الحاد و کفر می‌باشد.

مجله گراند اوریان در سال ۱۸۸۵ (۱۳۰۲ هـ) علناً نوشت:

«ما بنایان آزاد بایستی بقصد انهدام کاتولیک‌ها و محرکلی آنها اقدام کنیم.»
گراند اوریان با از کلیسای کاتولیک فراتر نهاده اعلام کرد که نه تنها با مذهب کاتولیک دشمنی دارد بلکه تمام مذاهب و ادیان و هر نوع عقیده دینی را دشمن می‌داند.

گراند اوریان در دشمنی با «ادیان» به این حد اکتفا نکرد بلکه از هر يك از اعضا خود خواست که اعلان کنند. به اینکه مهندس اعظم «خدا» خیال و خرافه‌ای بیش نیست و محافل در طعن دین به صورت حاد و تند و انتقاد از آن و انهدام و تسمیخ مبادی و نظرات دینی تصریح نمایند^۲ یکی از فراماسنهای دیگر به نام (دلش) که عضو لژ گراند اوریان فرانسه بوده در سال ۱۹۰۲ (۱۳۱۹ هـ) یعنی همان روزهایی که فراماسونهای ایرانی در ایران انقلاب مشروطیت را پی‌ریزی می‌کردند و حتی جامعه روحانیت را به داخل محافل خود کشایدند، به آنان اعلام نمود: (...خدای دروغین به توبه خود مخفی می‌شود و می‌رود و در غبار قرون گذشته در کنار آلبه هند، مصر، یونان و روم جای

۱ - فراموشخانه و انقلابهای قرن هیجدهم ص ۱۲۲.

۲ - جمع‌بنهای سری و تخریبی ص ۱۲۲.

با وجود اینکه این محقق نظریه‌ای صریح درباره غیر ایرانی بودن آئین ایرانی، فوق‌الذکر می‌دهد معیناً میبایستی انتخاب نام «طریقت ایران» را در روی این تشکیلات ماسونی بی‌پایه ندانست و بنظر میرسد که لااقل ایرانیان فراماسون در بوجود آوردن آن سهم بوده‌اند.

همین نویسنده بدنبال اظهار نظر فوق اضافه می‌کند: «... با وجود این شواهدی وجود دارد که حتی در نیمه اول قرن شانزدهم فراماسونری بهیچ وجه در خود ایران ناشناخته نبوده است. ایرانیانی که در اروپا سفر کرده بودند بدون توجه به ترغیب میرزبانان نشان که انگیزه سیاسی داشتند به قبول فراماسونری مشتاق بودند. این اشتیاق از علاقه کلی آنها به موضوعی سرچشمه می‌گرفت که مورد تأیید چندین اروپائی سفر کرده به ایران در آن دوران بود...»^۱

بهر حال جا دارد در باره این طریقت ایرانی در فراماسونری جهانی مطالعات بیشتری صورت گیرد تا شاید راز تشکیل آن فاش شود.

نوشته دیگری که در تواریخ فراماسونری به گرات از آن یاد **يك افسر ایرانی** شده عضویت یکی از افسران ایرانی در لژ فراماسونری برلن در لژ برلن است. بموجب نوشته مجله «لندن فراماسونری»^۲ مورخ ۲۸ ژوئن ۱۸۷۳ - (۱۲۸۹ هـ) در آن تاریخ در ایران عده کثیری از اعضاء دربار قاجاریه عضو لژ فراماسونری بودند و نویسنده مدعی است «... یکی از افسران ایرانی که در برلن اقامت دارد و مشغول ادامه تحصیل در فنون و عملیات نظامی میباشد داوطلبانه وارد سازمان فراماسونری Myalia order شده است» تا آن تاریخ هیچیک از مسلمانان وارد لژ فراماسونری آلمان نشده بودند و بنظر میرسد که ورود او به لژ کرافت برلن،^۳ از این لحاظ دارای اهمیت فراوان بوده که این افسر هنگام ادای سوگند ماسونی به قرآن کریم سوگند خورده است. تقاضای عضویت افسر مذکور

۱- مقاله فراماسونری در ایران ص ۷ -

۲- یا مجله فراماسونری، 187، Freemason's Magazine

می‌گیرد. این ملل اقوام وامی بودند که شاید ساختن و پرداختن بسیاری از این مخلوقات را شاهد بوده‌اند ... ولی بنایان آزاد از قرون گذشته تا حال گرچه از لحاظ سیاسی با هم اختلاف پیدا می‌کردند، معذالاینان در تمام اعصار این مبدا و اصل را که عبارتست از مبارزه با هرگونه خرافه دینی و هرگونه تعصب مذهبی است و جهت همت خود قرار دادند ... ۱

گراوند لژ فرانسوی گرانداوریان در حالیکه فریاد «بی‌دینی» و برداشتن مرزهای «بین‌ممالک» و دخالت در امور سیاسی می‌زد، عده‌ای از افراد برجسته محفل پاریس را امثال دکتر مرل، برنی، ویزبوز، لکفر و غیره را به عناوین و مشاغل مختلف به ایران فرستاد تا آنان در ایران شعبه لژ گرانداوریان را تشکیل دهند. این استادان لژهای ماسونی، ابتدا بدون اینکه مسائل دین، ملیت، مرزها و غیره را به اعضای لژبیداری ایران دیکنه‌کنند، به تدریج موفق شدند، مندرجات قانون اساسی خویش را به‌اعضاء وقادار و قسم‌خورده خود بقبولانند و آنان را با‌اعمالی که فرمان می‌دادند، بگمارند.

قانون اساسی شرق اعظم (گرانداوریان) فرانسه که تا امروز نیز کماکان مورد قبول فراماسونهای فرانسوی است، در دوره اجلاس سال ۱۸۸۴ (۱۳۰۱ هـ) به تصویب مجمع عمومی شورا یعالی فراماسونری شرق اعظم رسیده است. این قانون اساسی برای فراماسونهای (فرانسه و مستملکات آن) نوشته شده و به تصویب رسیده، مورد قبول کلیه لژهای موجود در آن زمان واقع شده و در ۱۵ فوریه ۱۸۸۵ (۱۳۰۲) رسمیت یافته است. ولی در تاریخ ۱۲۷ پریل ۱۸۸۵ پس از تصویب از طرف شورای طریقت و بعداً در ۲۵ سپتامبر ۱۹۰۹ از جانب مجمع عمومی تصرفاتی در آن به‌عمل آمده است. قانون اساسی مزبور در سال ۱۹۰۸ (۱۳۲۴ هـ) در اختیار لژ بیداری ایران گذارده شد و لژ مذکور مجاز گردید که آن را به فارسی ترجمه کند.

این قانون اساسی سه بار ترجمه و چاپ شده است که بار اول به وسیله وثوق الدوله،

دبیرالملک و سید نصراله تقوی بوده و نخستین چاپ آن در حدود فقط ۱۵۰ نسخه بوده که شامل شش باب و چهل و هشت ماده است و آن را به وسیله چاپ ژلاتینی طبع و بین اعضاء توزیع کرده‌اند .

در سال ۱۹۰۸ (۱۳۲۵ هـ) باردیگر همین قانون اساسی که به طور اختصار ترجمه شده بود ، در چاپخانه کوچک فراماسونری با قطع جیبی چاپ و گویا در حدود ۵۰۰ نسخه از آن توزیع شده . این خلاصه که دوست دانش پژوه نویسنده حسین بزدانیان آنرا در اختیار دارد ، دومین قانون اساسی بایست جلد مخصوصی است که روی آن جملات (ل . ل . بیداری ایران - شرق اعظم - ۲۳ - ۰۰۰) نوشته شده و يك صورت خورشید در يك مثلث زیبائی در آن به نظر می رسد و سه حرف اختصاری (آزادی - برادری - برابری) نیز در آن وجود دارد ، ظاهراً يك نفر عضو مسئول فرانسوی لژ در آن زمان شماره و مشخصات هر يك از اعضائی را که آن قانون اساسی را می خریدند یادداشت و آنرا اعضاء می کرده و به او می داده است .

سومین قانون اساسی فراماسونی در سال ۱۹۱۲ (۱۳۳۰ هـ) و پس از استوار شدن رژیم مشروطیت در ایران ترجمه و چاپ شده است^۱ این قانون اساسی به وسیله سه تن از اعضاء لژ که هر يك دارای مقامات مختلف درجات مخصوص بودند ترجمه شده و در صفحه دوم آن در زیر عکس مترجمین اساسی و شماره های مخصوص آنان بدین شرح درج گردیده است :

۱ - میرزا محمد علیخان ذکاءالملک شماره ردیف ۲

۲ - حاجی سید نصراله تقوی شماره ردیف ۳

۳ - میرزا حسینخان دبیرالملک شماره ردیف ۱۸

محیط طباطبائی در این باره می نویسد : «مسیو ویزیوز با ترجمه و طبع قانون اساسی محفل شرق اعظم فرانسه بهمدستی مرحومان دبیرالملک و ذکاءالملک و حاج

۱ - شاید هم این قانون اساسی در کتابخانه فاروس چاپ شده بود .

سید نصراله اخوی و تعلیم اصول و مقررات دبیرانه فراماسنی از سابقه اعتبار پنجاهساله فراموشخانه ملکم... کاست...^۱

بهر حال قانون اساسی مزبور که یکی از مطلعین آن را در اختیار نویسنده گذارده است در سال ۱۹۱۲ (۱۳۳۰ هـ) در مطبعه خصوصی فراماسونها در تهران چاپ شده است و به قطع جیبی در ۲۴۶ صفحه و شامل فصول زیر است :

۱ - قانون اساسی

۲ - نظامنامه عمومی شرق اعظم فرانسه

۳ - فهرست

۴ - نظامنامه خصوصی

۵ - ماده شصت نظامنامه عمومی

۶ - غلط نامه

در مقدمه کتاب قانون اساسی مذکور ، از طرف لژ بیداری ایران تقریظی نوشته شده که در آن مترجمین را بدین شرح ستوده اند :

ل . . . محترم ب . . . ا . . . ش . . . طهران از مساعی جمیله برادران حاجی سید نصراله و میرزا محمد علیخان ذکاءالملک و میرزا حسین خان دبیرالملک که باهمت و غیرت برادرانه خدمت خود را در ترجمه قانون اساسی و نظامنامه عمومی و آئین نامهها و دفاتر به بهترین اسلوب و عبارت و نیکوترین وضع و ترتیب به پایان برده و بغزبور طبع آراسته اند و بالاخص برادر میرزا حسین خان بدر (دبیرالملک) که در این کمک برادرانه از بذل مال و صرف وقت و فراهم ساختن وسائل انجام کار دقیقه ای فروگذار نکرده . موافق قانون همبستگی متفقاً به این خدمت بزرگ که مفتاح تعلیمات و اسرار ماسونی و اساس حقیقت جوئی است موفق گشته اند در مقام قدرشناسی تشکر می کنند . محض تذکر از این اثر مشکور و تشویق سایر برادران از طرف عموم حاضرین جلسه ۱۴ شهر رمضان ۱۳۳۰ مطابق با ۲۷ اوت ۱۹۱۲ اجازه داده شد که این تقریظ به نام

لامی این سه برادر گرامی همواره در مفتوح نظامنامه طبع شود و پیاپی با روزگار برادران به یادگار بماند .

اینک ابتدا خلاصه قانون اساسی فراماسونی و نظامنامه لژ بیداری ایران را که اولین بار در ایران چاپ و منتشر شده، نقل می‌نمائیم و سپس ترجمه کامل آنرا با آخرین تغییرات مصوبه گران دوریان در آخر جلد دوم بنظر خواننده گرام می‌رسانیم :

اولین ترجمه قانون اساسی لژ بیداری ایران

باب اول

در اصول فی :-

ماده اول- بنای فی :- اختصاصاً نوع پرستی و فیلسوفی و طلب ترقی است. مقصودش جستجوی حقیقت و تهذیب اخلاق و بکار بردن اتحاد و اتفاق است . کارش اصلاح امور مادی و اخلاقی و تکمیل قوای عقلیه و مدینه عالم انسانیت است . مسلکش انغماض از خورده بینی در باره برادران و حفظ شرف خود و سایرین و آزادی مطلق وجدان . چون ادراک حکمت‌های فوق الطبیعه منوط فهم شخصی است ، لهدافی :- در صدد اثبات احکام و سنن بر نمی‌آید .

شعار فی :- آزادی :- برابری :- برادری :- است .

ماده دوم - وظیفه فی :- آن است که دائرة اخوتی که تمام برادران این طریقت را در کره ارض بهم مربوط و متصل نموده است توسعه دهد ، و نوع بشر را از آن منتفع نماید .

فی :- بمعنای اسرار خود توصیه می‌نماید که تلقین و انتشار این مسلک را بنمایند . چه به واسطه اعمال حسنه که سرمشق واقع شود چه به واسطه نطق چه به واسطه تحریرات و تألیفات به شرط اینکه اسرار فی :- محفوظ بماند .

ماده سیم - تکلیف فی :- در هر موقعی که هدایت و همراهی و حمایت از برادران

خود است اگر چه زندگانی خود را به مخاطره بیندازد . و نیز اگر در حق برادری ظلم شده باشد تکلیف او منافع خواهد بود .

ماده چهارم - فی . . کار کردن رایگی از تکالیف خاصه انسان می داند . قدر کارهای بدی و دماغی در نظر فی . . یکی است و هر دو را محترم می شمارد .

باب دوم

در باب م . . ها و کارخانه های ایشان

فصل اول

در باب م . . ها

ماده پنجم - حکومت مطلقه فی . . متعلق است به مفهوم م . . هائی که در کار هستند . چنانکه در این قانون اساسی معین شده این حکومت مطلقه اجرا می شود به واسطه ادای عمومیه .

ماده ششم - قبول اشخاص در فی . . به موجب قرعه می شود . تمام برادرانی که حاضر هستند حق رأی دارند به شرط آنکه منظم باشد (شرایط نظم در نظامنامه عمومی شرح داده خواهد شد) .

ماده هفتم - فی . . دارای علاماتی و رموزی است که نمی توان برای احدی توضیح نمود ، جز اشخاصی که به برادری قبول شده اند . این علامات و رموز به اشکالی که معین شده اند سرآمد اعمال ف . . ها و وسائل شناسائی و معاونت آنها به یکدیگر در تمام کمره ارض خواهند بود . دخول به فی . . شامل چندین درجه یا منصب است .

درجات اولیه - شاگردی ، رفاقت ، استادی است . هر کس به درجه استادی رسید دارای حقوق کامله فی . . خواهد شد هیچکس نمی تواند از امتحانات متدرجه که در کتاب و آئین فی . . نوشته شده است معاف شود .

ماده هشتم - شرایط دخول در دائره فی . . و دارائی حقوقی مستلزمه آن از قرار

تفصیل ذیل است :

- ۱ - باید اقلای بیست و یک سال داشته باشند.
- ۲ - ایرادی با عیادت و اخلاق او وارد نشود .
- ۳ - همیشه خود را بقدر کافی بطور شرافتمندانه تحصیل کند .
- ۴ - سواد کافی برای فهم مطالب فی . داشته باشد .
- ۵ - اقلای ششماه در شهری که در آن واقع است متوقف باشد .
اشخاصیکه در شهر آنها ل . تاسیس شده است .
پسرهای م . ها در سن هیجده سالگی می توان با رضایت پدر و مادر و قیم خود فقط بر تبه شاکردی قبول کرد ولی قبل از بیست و یک سال به درجه رفاقت و استادی پذیرفته نخواهد شد .

از شرط اقامت در مرکز ل . معاف اند .

صاحب منصبان یری و بحری و مباشرین امور عامه اشخاصیکه به واسطه شغل خود مجبور به تغییر مقر هستند .

ماده نهم - سمت فی . حقوق و امتیازاتی را که با آن همراهند سلب می شود .

بواسطه ارتکاب اعمال ذیل :

- ۱ - فعلی که مخالف ناموس باشد.
- ۲ - شغلی که منافی شرف باشد.
- ۳ - تخطی و تجاوز از تعهداتی که در موقع پذیرفتن کرده هیچکس از دائره فی . خارج نمی شود مگر بعد از محاکمه که ترتیب و شرایط آن موافق اصول قانون اساسی فی . باشد .

فصل دوم

در باب کارخانه های فی .

ماده دهم - مجمعی که م . ها برای کار در آنجا حاضر میشود کارخانه ایشان

نامیده میشود. کارخانه‌هاییکه مخصوص درجات سه گانه اولیه باشد آنها را محفل فی . . می نامند. کارخانه‌هاییکه مخصوص سایر درجات فی . . تا درجه ۳۰ هستند آنها را مجلس روحانی Chapitra و دارالشورای می . . Consill مینامند. کارخانه‌های اعلائی که به تنهایی حق قبول م . . ها را تا آخرین درجه دارند موسوم به مدرسه بزرگامین می . . Grande Colleg De Rito خواهند بود.

ماده یازدهم - کارخانه‌های فی . . شخصاً امور راجعه به خود را به آزادی اداره مینمایند. از قراحدود و تربیتی که در این قانون اساسی و در نظامنامه عمومی مندرج است. برای اقداماتی که راجع به منافع عمومی می . . است باید از آنها مشورت کرد. ماده دوازدهم - در مجامع می . . تمام م . . ها با یکدیگر مقام مساوات کامله دارند. هیچ امتیازی مابین آنها نیست جز از طریق برتری رتبه می . . ایشان.

ماده سیزدهم - تمام مشاغل می . . به اکثریت آراء داده میشود و تماماً موقتی هستند. در مواقعی که نظامنامه عمومی تعیین میکند ممکن است که کمک خرجی بصاحبان مشاغل داده شود. کارخانه‌ها سالی یک مرتبه ارکان خود را به اکثریت آراء انتخاب مینمایند. عنوان و عدد مشاغل و وظائف خاصه آنها و شرایط قابلیت انتخاب و موقع ترتیب انتخاب ایشان در نظامنامه عمومی معین شده است.

ماده چهاردهم - فقط اعضای دائمی و التزامی کارخانه‌ها میتوانند برای مشاغل انتخاب شوند و فقط اعضای دائمی حق دارند که ارکان کارخانه را انتخاب نمایند. شرایط دائمی بودن م . . ها در نظامنامه عمومی درج شده است.

ماده پانزدهم - کارخانه‌ها حق تنظیم و تأدیب باعضای خود و تمام م . . هاییکه در اوقات کار آنها حاضر میشوند دارند. مباحثات راجعه باعمال قوای بدیهه و دخالت در منازعات مسالک پلتیکی در کارخانه‌های می . . قدغن است و نظم هر مجلس باریس مجلس است.

ماده شانزدهم - چندین کارخانه چه از يك مشرف باشند و چه از مشاغل مختلفه میتوانند جمع شوند در باب منافع عمومی می . . متفقاً مذاکره نمایند. ممکن است

تمام آنها خودشان جمع شوند و ممکن است وکالت جمعی از م. ها بدهند که از طرف ایشان گفتگو نمایند. برای انعقاد این مجلس باید اقل هشت روز قبل کارخانه‌های مذکوره به شورای م. اطلاع دهند. قرارهایی که نتایج این اجتماعات میشوند و در هیچ صورت و بهیچوجه نباید بمعاذالف قانون اساسی و قوانین م. باشند.

باب سوم

در اقتدارات م.

فصل اول

در باب شرق اعظم فرانسه

ماده هفدهم - کارخانه‌ها چنانکه ترتیب آنها بواسطه این قانون اساسی و به واسطه نظامنامه‌های عمومی م. و نظامنامه‌های خصوصی که از آن مشتق می‌شوند مقرر شده است باهم تشکیل یک هیئت متفقه می‌نمایند. این هیئت متفقه موسوم به شرق اعظم و شورای عالی فرانسه و مستملکات فرانسه است کرسی شرق اعظم در پاریس است.

ماده هیجدهم - هر م. که عضو یکی از کارخانه‌های شرق اعظم فرانسه باشد میتواند عضو یکی یا چندین کارخانه که به قوه مقتدره م. دیگر متعلق است بوده به شرط اینکه قوانین آن قوه مقتدره نیز به برادران خود همین اجازه را بدهند ولی قدغن است که در یک سال در دو هیئت متفقه مختلفه داخل مذاکرات قانونی شوند.

ماده نوزدهم - کارخانه‌هایی که جزو هیئت متفقه شرق اعظم و شورای عالی م. فرانسه و مستملکات هستند در اعمال خود یکی از دو مناسکی را که قبول شده است پیروی می‌نمایند.

ماده بیستم - مخارج عمومی شرق اعظم را ل. ها و م. ها متحمل می‌شوند به واسطه مالیات سرانه و خراجی که از ل. ها گرفته می‌شود. مقدار مالیات سرانه و خراج ل. ها را مجمع عمومی م. معین می‌نماید.

فصل دوم

در باب مجمع عمومی می .

ماده بیست و یکم - مجمع عمومی شرق اعظم فرانسه مرکب است : اولاً از تمام وکلای ل . ه های این هیئت که به اکثریت آراء به قرعه مخفی معین شده باشد . ثانیاً از اعضاء شورای می . این اعضاء نمی توانند از طرف ل . ه های نماینده شوند .

هر ل . ه بیش از یک نماینده در مجمع عمومی نخواهد داشت حق وکالت نماینده دائمی تامدتی که کسی برای جانشینی او معین نشده برقرار خواهد بود .

ماده بیست و دوم - در صورتیکه نماینده مانع داشته باشد ل . ه ها می توانند در جلسه مخصوصی که برای انتخاب او تشکیل می شود یک نفر نایب به جای او انتخاب کرده به مجمع عمومی بفرستند . هیچ م . ه نمی تواند در مجمع عمومی بیش از یک ل . ه نماینده ل . ه های متعدد باشد .

ماده بیست و سوم - وکلا باید از میان اعضاء دائمی ل . ه انتخاب شوند و اقلاً دو سال باشد که دارای مرتبه استادی شده باشند و اقلاً یکسال باشد که در ل . ه یکه از طرف اوسمت نمایندگی دارد عضویت یافته باشند . شغل ریاست ل . ه مانع از نمایندگی شدن نیست . ل . ه الجزایر و مستملکات فرانسه و ممالک خارجه که تابع شرق اعظم فرانسه می باشند می توانند وکلای خود را از میان اعضاء سایر ل . ه های هیئت متفق انتخاب نمایند به شرط اینکه نماینده منتخب اقلاً دو سال باشد که به رتبه استادی رسیده باشد و اقلاً یکسال باشد که به عضویت دائمی یک ل . ه منظم افتخار یافته باشد .

ل . ه هاییکه مدت تأسیسشان به دو سال رسیده است همین حق را دارند و صورتیکه هیچ یک از اعضاء ایشان استاد دو ساله نباشد .

ماده بیست و چهارم - مجمع عمومی هر سال در روزی که نظامنامه عمومی معین کرده است به ترتیب معمول منعقد می شود .

ماده بیست و پنجم - مجمع عمومی منعقد می شود به طور فوق العاده ، در موقعی

که شمه‌ای می‌باشد باید دعوت انعقاد این مجمع را شروع کنند .

ماده بیست و هشتم - این مجمع از میان اعضای خود به اکثریت آراء رئیس ، نگهبان ناطق ، دبیر ، مخبر بزرگ ، را انتخاب کرده سایر صاحب منصبان به حکم قرعه معین خواهند شد .

ماده بیست و نهم - اختیار واقدار از وضع قوانین اساسی و سایر قوانین هیئت متفقہ با مجمع عمومی شرق اعظم است .

مجمع عمومی شرق اعظم از بابت اظهارات اساسی وقانونی می‌باشد قبل از استشاره ازل ، ها حکمی نمی‌کند .

مجمع عمومی به مفاد و خلاصه اقوال می‌رسیدگی نموده حکم می‌کند . این احکام به واسطه شورای می‌باشد به مجمع عمومی داده میشود . مجمع عمومی حساب سال گذشته را جرح و تعدیل و تصفیه کرده بودجه دخل و خرج سال آینده را معین می‌نماید تمام اعضای مجمع عمومی حق استفتاء و مطالبه جواب دارند . مجمع عمومی میتواند به موجب اظهار شورای می‌باشد مجازات و اسقاط حق که به برادران یا به کارخانه‌های هیئت متفقہ وارد شده است به تعویق بیندازد .

فصل سوم

در باب شورای می‌باشد .

ماده بیست و هشتم - شورای می‌باشد مرکب است از ۳۳ عضو که مجمع عمومی شرق اعظم آنها را از میان اعضای خود انتخاب نماید . اعضای شورای می‌باشد برای سه سال انتخاب می‌شوند .

اسم اشخاص در روی کاغذهای قرعه نوشته و به رئیس اطلاق انتخابات داده می‌شود برای انتخاب شخص منتخب و در دفعه اول و دوم باید دارای قبول اکثریت تام باشد . و در دفعه سوم اکثریت آراء نسبی کفایت می‌کند در صورت تساوی آراء قدمت رتبه استادی نتیجه انتخابات را معین می‌نماید .

پس از گذراندن امتحانات ماسونی و انجام همه تشریفات بطور صحیح مورد قبول واقع شد. تشریفات مزبور در این باره مینویسد: «... پس از طی امتحانات که برادران فراماسونری آلمان از او بعمل آوردند با رضایت کامل عضویت او را تأیید کردند و او را جزء برادران خود شناختند. ظاهراً این افسر ایرانی ادعا میکرد که اغلب درباریان قاجار عضو این سازمان هستند و همچنین که ماسونری آلمان به عضویت امپراطور و ولیعهد افتخار می‌کنند فراماسونهای ایران هم سازمان ماسونیک خود را وابسته به دربار میدانند»

نویسنده مجله بدون اینکه نام افسر فراماسون شده و یا درباریانی را که عضو آن بودند ببرد اضافه می‌کند: «عضویت این ماسون مسلمان ساکن برلن در میان برادران آنها اسباب اعجاب شده زیرا آنها تصور نمی‌کردند که اندیشه فراماسونری در تمام روی زمین توسعه یافته باشد^۱. علی‌مشیری محقق و نویسنده‌ای که دوران بازنشستگی را در انگلستان می‌گذراند ضمن تحقیقاتی که درباره اولین فراماسونهای ایرانی در اوایل قرن نوزدهم نموده‌اند درباره لژی که افسر مذکور مدعی است دربار ایران را مجذوب خود کرده مینویسد:

«... باید گفت سازمان فراماسونری بشکل جدید کنونی تا سال ۱۸۷۳ میلادی که قانوناً میبایستی تابع یکی از منشورهای انگلند، اسکاتلند یا فرانسه باشد در ایران به هیچوجه من‌الوجه سابقه نداشته است...»^۲

اولین نویسنده‌ای که اظهارات افسر ایرانی مقیم برلن را به نقل از مجله فراماسونری لندن درج کرده گاولد نخستین نویسنده تاریخ شش جلدی فراماسونری است که بعداً نیز سایر نویسندگان ماسونی نوشته‌های او را نقل کردند. او می‌نویسد:

«تظهور این فراماسون مسلمان در برلن بنظر میرسد که تا حدی سبب ایجاد اعجاب برادران ماسون او در لژ بوده. غافلگیری وی اطلاعیه متوجه آن‌ها از فراماسونها بوده که از پیشرفت و توسعه نفوذ (بنایان) در دنیا چیزی نمیدانند. حقیقت اینست که مسلماً

۱- تاریخ فراماسونری گاولد جلد ششم قسمت ایران.

۲- مجله خواندنیها شماره ۹۵ سال ۲۴.

هر سال ثلث اعضای می . تجدید می شوند . اشخاصیکه از عضویت شورای می . خارج می شوند نمی توانند منتخب شوند مگر بعد از فاصله يك سال .

ماده بیست و نهم - هر سال بعد از تجدیدی که در ماده فوق ذکر شد شورای می . رئیس خود و دو نفر نایب رئیس و دو منشی و يك خازن مهر و تمبر شرق اعظم فرانسه را معین می نمایند . شورای می . نظامنامه خود را نیز ترتیب می دهد .

ماده سی ام - شورای می . حافظ ، اساس می . است فراهم کردن اجرای قوانین می . و تصمیمات مجمع عمومی می . و احکام عدالت می . نیز با شورای می . است . شورای می . مأمور روابط شرق اعظم باقوای مدنی و باحکومتهای می . فرانسه و خارجه است .

سفرای [يك کلمه خوانده نشد] که شرق اعظم نزد هیئتهای متفقه می . می فرستد به واسطه شورای می . معین می شوند .

ماده سی و یکم - اداره کارهای می . با شورای می . است .
قرارهای نظم اداره می . و اعلان رسمی و تصمیمات مجمع عمومی و اشعار و اخبار آراء و احکام اولیای خبرت با شورای می . است .

شورای می . کارهای خود را هر ساله به مجمع عرضه می دارد . شورای می . بودجه سالیانه را مرتب ساخته اقلاً دو ماه قبل از انعقاد مجمع عمومی به ل . ها می فرستد . اعضای شورای می . بیکان بیکان در پیشگاه مجمع عمومی مسئول اجرای مأموریت خود هستند .

ماده سی و دوم - شورای م . رسیدگی و حکومت می کند در سئوالات راجعه به اساس می . و اعلان بیداری کارخانه ها و قسمت انتخابات ایشان . شورای می . اقدامات لازمه خود را باید در تدارك تأسیس ل . های تازه یا بیداری ل . های خفته به جای آورد شورای می . کارخانه هائی را که خارج از هیئت متفقه به ترتیب تشکیل شده و موافق این قانون اساسی و نظام نامه عمومی رفتار می نمایند و نظام نامه خصوصی ایشان بهیچوجه مخالف نظام نامه عمومی شرق اعظم نیست . به عضویت هیئت متفقه شرق اعظم قبول می نماید .

شورای می. شهادت نامه‌ها و احکامات حقوقی (گذرنامه‌ها) و تذکره‌هایی که کارخانه‌های متعدد استدعا می‌نمایند اعضاء کرده به ایشان تسلیم می‌نماید.

ماده سی و سیم - شورای می. مأمور اصلاح و اختلافات است چه این اختلافات مابین کارخانه‌ها واقع شود و چه مابین می. و شورای می. شکایات‌هایی که از برادران یا از کارخانه‌ها می‌شود قبول کرده به محکمه تمیز می. ارائه می‌نماید و نیز می‌نوانند شخصاً شکایت از تقصیر کسی کرده و به محکمه تمیز رجوع نمایند.

ماده سی و چهارم - در موارد فوق‌العاده و فقط برای نظم عمومی شورای می. حق دارد که کارخانه‌ها را توقیف نماید ولی مسئولیت این کار در پیشگاه مجمع عمومی بر شورای می. وارد می‌شود و مدت این توقیف تا روزی است که حکم محکمه می. صادر شود این محکمه به‌جمله دعوت می‌شود و نباید رأی خود را همان روز اظهار نماید.

باب چهارم

در تشکیل عدلیه می.

فصل اول قوای عدلیه

ماده سی و پنجم - قوای عدلیه می. جاری می‌شود در درجه اول به وساطت ل. ها به وسیله برادران عدول که از میان آنها انتخاب می‌شوند.

در درجه‌هایی به وساطت محکمه‌های استیناف که کتباً از وکلای ل. ها قطع نظر از قوه انضباطیه که متعلق به کارخانه‌ها است و به واسطه ایشان مجری می‌شود (چنانچه در نظامنامه عمومی معین شده است).

فصل دوم

عدول کارخانه‌ها و محکمه استیناف

ماده سی و ششم - کارخانه‌هایی که مقصود از محاکمه می‌شوند به واسطه عدولیکه

مرکبند از نمایندگان ل. ه. ها

ماده سی و هفتم - تصویبات ل. ه. ها و محاکمه استیناف و عدول کارخانها باید معین باشند .

ماده سی و هشتم - تصویبات محاکم استیناف و عدول کارخانها ممکن است به محکمه تمیز رجوع شوند این استیناف ممکنست به تأخیر افتد .

ماده سی و نهم - ترتیب محاکمه و استیناف و مجازات قانونیه به واسطه نظامنامه عمومی معین شده است .

فصل سوم

محکمه تمیز

ماده چهارم - محکمه تمیزی که تشکیل شده است در موقع اشتباه یا اشکال در محاکمات یا خطای در اجرای قوانین یا تجاوز از قانون حکم محکمهها را نقض می نماید. و کار را به محکمه استیناف دیگر یا عدول برادران ل. ه. دیگری رجوع میکند.

ماده چهارم و یکم - محکمه تمیز مرکب است از پانزده تن اعضاء که به واسطه مجمع عمومی بر حسب فرقه مخفی همه ساله انتخاب می شوند. هر سال ثلث اعضاء محکمه تمیز تجدید می شوند و ممکن است که اعضاء محکمه تمیز مکرر انتخاب شوند این انتخاب بعد از انتخاب شورای می. ه. واقع می شود بهمان شکل و بهمان ترتیب .

ماده چهارم و دویم - هیچ کس نمی تواند عضویت محکمه تمیزی می. ه. و نمایندگی عدلیه می. ه. و عضویت شورای می. ه. را معادار شود .

اعضای محکمه تمیز در مدت مأموریت خود که در ماده فوق معین شده اند نمی توانند به عضویت شورای می. ه. انتخاب شوند .

ماده چهارم و سیم - گرسی محکمه تمیز در پاریس شرق اعظم فرانسه است .

محکمه تمیز در موقع تشکیل مجمع عمومی مجبوراً باید منعقد شود و در وقتی

که به واسطه جهتی انعقاد آن لازم شود رئیس محکمه حکم انعقاد به آن مینماید در وقتی که اعضای محکمه تمیز برای محاکم باید جمع شوند عنده اعضائی که احضار می شوند هفت تن خواهد بود و به موجب قرعه که در مجلس شورای می . . با حضور رئیس محکمه تمیز یا نایب او کشیده خواهد شد برای مشوره محکمه تمیز حضور پنج تن از اعضاء لازم است .

ماده چهل و چهارم - هر سال محکمه تمیز در جلسه ماه سپتامبر بعد از تجدید نالت اعضای خود رئیس و نایب رئیس و منشی خود را انتخاب می نماید . در قسمت رسمی صورت مذاکرات و اقوال شرق اعظم این انتخاب ذکر خواهد شد .

باب پنجم

روابط شرق اعظم با ممالک خارجه

ماده چهل و پنجم - شرق اعظم فرانسه در ممالک خارجه که دارای اقتدار منظم می . . باشند و با شرق اعظم مراودات برادرانه دارند تأسیس کارخانه نمی کند و هیچ تغییر در ترتیب ل . . هائی که الحال در ممالک خارجه موجود هستند داده نمی شود . شرق اعظم کارخانهائی را که در فرانسه یا مستملکات فرانسه به واسطه قوه متفقه می . . تأسیس شده باشد تصدیق نمی نماید .

باب ششم

در تدقیق و تغییر م . .

ماده چهل و ششم - هر گونه اظهاری راجع به تدقیق در کلیات یا جزئیات اساسی می . . یا راجع به حذف یا تغییر يك قانون می . . یا نظامنامه عمومی می . . باشد بعد از آنکه به مجمع عمومی تقدیم شد و مجمع عمومی آن را پذیرفته و رسیدگی آن اظهار از طرف مجمع عمومی به ضمیمه رأی شورای می . . در این خصوص قبل از انقضای مدت سه ماه